



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

سال دوم- دوره یازدهم

تاریخ چاپ

شماره چاپ

شماره ثبت ۶۴۹

عادی

طرح جامع داوری

کمیسیون های ارجاعی

	اصلی:
-	فرعی:

معاونت قوانین

باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً طرح ذیل که به امضای ۴۲ نفر از نمایندگان رسیده است، جهت طی مراحل قانونی تقدیم می شود.

مقدمه (دلایل توجیهی):

باسمه تعالی

طرح جامع داوری

مقدمه (دلایل توجیهی)

افزایش روزافزون پرونده های قضایی در کنار پیچیدگی های اجتناب ناپذیر فرایند قضایی که موجب طولانی شدن دادرسی شده است در بسیاری از موارد نارضایتی مردم را به همراه دارد. این در حالی است که کم نیستند پرونده هایی که به سبب ماهیت اختلاف و یا پیش پا افتاده بودن آن به سادگی قابل حل در فرایند داوری هستند و ضرورتی وجود ندارد که حتماً تمامی فرایند قانون دادرسی در مورد آنها به اجرا گذاشته شود. به طوری که از طریق داوری این امکان وجود دارد که بسیاری از اختلافات در مدت زمان بسیار کوتاه تری حل و فصل شود. اما نهاد داوری در جمهوری اسلامی ایران قوانین پراکنده دارد و این قوانین ایرادات و خلأهایی نیز دارند که به نظر می رسد نیاز است که این قوانین باید در یک قانون جامع تجمیع شود و متولی نظام دهی این نهاد نیز مشخص گردد لذا، طرح مذکور جهت طی مراحل قانونی تقدیم می شود.

لذا طرح ذیل تقدیم می شود:

لذا طرح ذیل تقدیم می شود:

حسینعلی حاجی دلیگانی - سیدجواد حسینی کیا - علی علیزاده مراغه - جلال محمودزاده - قاسم ساعدی - نصراله پژمان فر - مجتبی توانگر - مهدی اسماعیلی - سیدمحمد رضا میرتاج الدینی - غلامحسین کرمی - رسول فرخی میکال - اصغر سلیمی - احمدحسین فلاحی همدان - مجید نصیرائی

- حسین حق وردی - جعفر راستی - محمدحسین فرهنگی - حسن نوروزی - یعقوب رضازاده -
محمدتقی نقدعلی - سیدعلی یزدی خواه - جعفر قادری - حبیب آقاجری - ابوالفضل ابوترابی - حسین
امامی راد - حسن همتی - حسین رجایی ریزی - سلمان اسحاقی - انور حبیب زاده بوکانی - بهروز
محبی نجم آبادی - سیدموسی موسوی - علیرضا عباسی - سیدمحمد موحد - هاجر چنارانی - احمد
محرم زاده یخفروزان - ابراهیم عزیزی شیراز - علیرضا سلیمی - محمدرضا رضائی کوچی - مجتبی
بخشی پور - جواد نیک بین - پرویز اوسطی - موسی احمدی

عنوان طرح:

طرح جامع داوری

طرح جامع داوری

فصل یکم: مقررات عمومی

ماده ۱- تعاریف

اصطلاحات و واژه‌هایی که در این قانون به کار رفته‌اند، دارای معانی زیر است:

«داوری»: حل و فصل اختلاف اشخاص به وسیله داور یا داورانی که مستقیم یا غیر مستقیم بر اساس توافق طرفین انتخاب می‌شوند؛

«موافقت‌نامه داوری»: توافق کتبی طرفین بر ارجاع اختلاف موجود یا احتمالی ناشی از یک یا چند رابطه حقوقی معین قراردادی یا غیر قراردادی به داوری؛

«داور»: شخص ثالث حقیقی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از سوی طرفین به منظور حل و فصل اختلاف انتخاب می‌شود؛

«داور یحرفه‌ای و داوری غیر حرفه‌ای»: در صورتی که داوری با اخذ پروانه بر اساس مقررات این قانون باشد، داوری حرفه‌ای و در غیر این صورت داوری غیر حرفه‌ای است؛

«داور واحد» و «هیأت داوری»: هرگاه حل و فصل اختلاف به عهده یک شخص حقیقی باشد «داور واحد» و اگر به عهده‌ی چند شخص حقیقی باشد «هیأت داوری» است. در این قانون کلمه «داور» اعم از «داور واحد» یا «هیأت داوران» یا «هر یک اعضای هیأت داوری» است؛

«داوری بین‌المللی» و «داوری داخلی»: داوری در صورتی بین‌المللی است که در زمان انعقاد موافقت‌نامه داوری یکی از طرفین به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد یا اقامتگاه یکی از طرفین خارج از ایران بوده و یا اختلاف مربوط به روابط حقوقی ناشی از مبادله کالا یا خدمات یا سرمایه از کشوری به کشور دیگر یا محل اجرای قرارداد خارج از کشور اقامتگاه یکی از طرفین باشد، در غیر این صورت داوری داخلی است؛

«سازمان داورى»: شخص حقوقى داراى قواعد و آئين داورى كه مطابق ماده ۱۱۶ تشكيل شده و موضوع فعاليت اصلى آن انجام امور ادارى مرتبط با داورى و ساماندهى و نظارت بر آن است؛

«داورى سازمانى» و «داورى موردى»: داورى وقتى سازمانى است كه حل اختلاف به سازمان داورى محول شده باشد، در غير اين صورت داورى موردى است؛

«مقام ناصب»: دادگاه يا هر شخص حقيقى يا حقوقى است كه به موجب قانون يا توافق طرفين تعيين داور به عهده اوست. هرگاه طرفين حل اختلاف خود را به شخص حقوقى يا مقامهاى رسمى به اعتبار مقام ايشان ارجاع نمايند، از نظر اين قانون شخص يا مقام مزبور مقام ناصب محسوب مى شود؛

۱۰- «دادگاه صالح»: در داورى هاى داخلى دادگاه ارجاع كننده دعوابه داورى يا دادگاهى كه صلاحيت رسيدگى به اصل دعوا را دارد و در داورى هاى بين المللى دادگاه حقوقى واقع در مركز استانى كه مقرر داورى در آن قرار دارد و دادگاه حقوقى تهران در مواردى كه مقرر داورى مشخص نشده يا مقرر داورى خارج از ايران باشد، دادگاه صالح است. رسيدگى به دعاوى مربوط به داورى در شعبه هاى تخصصى صورت مى گيرد.

۱۱- «مؤسسه داورى ناظر»: ارتباط و نظارت مركز بر داوران حرفه اى از حيث مسايل آموزشى، حضور در جلسات، داورى الكترونيك و ساير مؤلفه ها به واسطه يكي از مؤسسه هاى داورى صورت مى گيرد كه از اين حيث، مؤسسه ناظر ناميده مى شود.

۱۲- «مركز»: مركز حل اختلاف؛

۱۳- «مقرر داورى»: اقامتگاه قانونى داور يا نهاد داورى.

ماده ۲- اهداف و اصول كلى

داورى مبتنى بر اهداف و اصول زير است و مفاد اين قانون در چارچوب همين اصول تفسير مى شود:

هدف از داورى دستيابى به حل و فصل عادلانه اختلافات توسط داور مستقل، بى طرف، با كمترين هزينه و در سريعترين زمان ممكن است؛

داورى حاصل تراضى طرفين در ايجاد عدالت از طريق يك مرجع غيردولتى است كه در چارچوب قانون از قدرت اجرايى برخوردار است؛

طرفین می‌توانند جز در موارد قواعد آمره و ممنوعیتهای قانونی در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات مدنی خود مانند نصب داور، تعیین مقر داور، قواعد و آئین حاکم بر جریان رسیدگی، نحوه ابلاغ و هزینه‌های داور توافقی نمایند؛

دخالت و نظارت دادگاه در امور راجع به داور محدود به موارد مصرح قانونی است؛

ماده ۳- قلمرو قانون

این قانون در موارد زیر اعم از داور داخلی یا بین المللی اعمال می‌شود:

در مواردی که مقر داور در ایران باشد، مگر اینکه به موجب معاهدات لازم‌الاجرا برای ایران به نحو دیگری مقرر شده باشد؛

در مواردی که به موجب قانون، مرجع خاصی برای حل اختلاف از طریق داور پیش بینی شده و فاقد قواعد و مقررات خاص باشد؛

مقررات مربوط به تعلیق صلاحیت دادگاه (ماده ۴)، دعاوی غیر قابل ارجاع به داور (ماده ۹)، داور در دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی (ماده ۱۰) ارجاع دعا به داور توسط دادگاه (فصل سوم)، اقدامات تأمینی (فصلهفتم)، شکایت از رأی داور (فصل نهم)، اجرای رأی داور (فصل دهم) و سازمان داور در ایران (فصل چهاردهم)، همواره تابع این قانون و معاهدات لازم‌الاجرا است ولو اینکه مقر داور خارج از ایران یا توافق طرفین به نحو دیگری باشد؛

ماده ۴- تعلیق صلاحیت دادگاه

دادگاهی که دعوی موضوع موافقت‌نامه داور نزد آن اقامه شده است، قرار عدم استماع دعوا صادر می‌کند مگر اینکه دادگاه با ایراد یکی از طرفین احراز کند موافقت‌نامه داور باطل بوده یا منحل یا غیر قابل اجرا شده است یا خوانده بدون ایراد به وجود موافقت‌نامه داور دفاع ماهوی کند. در این صورت دادگاه مکلف است جهت اعمال صلاحیت را در رأی ذکر کند. صرف طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داور و صدور رأی داور نیست.

ماده ۵- اعمال قواعد و آئین سازمان داور

ارجاع اختلاف به سازمان داور به منزله توافق بر اعطای اختیارات لازم و اعمال قواعد و آئین همان سازمان است.

در داوریه‌های سازمانی، آئین داوریه مانند نحوه ابلاغ، نحوه انتخاب و تعیین داور، تشریفات جرح و رسیدگی به آن، مدت داوریه، تاریخ شروع و تمدید آن تابع قواعد و آئین سازمان داوریه است، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

قواعد و آئین سازمان داوریه نمی‌تواند مخالف قواعد آمره قانونی یا اصول دادرسی از جمله رفتار مساوی با طرفین، ابلاغ صحیح، فرصت متعارف برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل باشد.

در موارد سکوت یا اجمال یا ابهام قواعد و آئین سازمان داوریه، بر طبق مقررات این قانون عمل می‌شود.

ماده ۶- انصراف از حق ایراد

در صورتی که هریک از طرفین پس از اطلاع از عدم رعایت مقررات غیرآمره قانون یا آئین داوریه یا شرایط قابل عدول موافقت‌نامه داوریه، ایراد خود را فوراً یا در مهلتی که به این منظور تعیین شده است، اقامه نکند و داوریه را ادامه دهد، چنین فرض می‌شود که از حق ایراد صرف‌نظر کرده است.

ماده ۷- مقر داوریه

مقر داوریه با توافق طرفین تعیین می‌شود و در صورت عدم توافق، در داوریه‌های سازمانی چنانچه مقرره‌ی دیگری نداشته باشد مقر سازمان و در داوریه‌های موردی محلی که داور تعیین می‌کند و در صورت عدم تعیین حسب مورد اقامتگاه داور یا سرداور مقر داوریه است.

فصل دوم - موافقت‌نامه داوریه

ماده ۸- حق ارجاع اختلاف به داوریه

کلیه اشخاص می‌توانند قبل یا پس از حدوث اختلاف، کلیه دعاوی مدنی را که نسبت به آن اهلیت اقامه دعوا دارند، اعم از اینکه در مرجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، جز در مواردی که قانون ممنوع کرده است، به داوریه ارجاع دهند.

در راستای ایجاد زمینه برای توافق جهت ارجاع اختلافات به داوریه، رؤسای حوزه‌های قضایی و شوراهای حل اختلاف در زمان ارجاع، در صورت تمایل طرفین، آنها را به نهادهای داوریه معرفی می‌نمایند. نهاد داوریه مربوط که با انتخاب طرفین و در صورت عدم انتخاب با استفاده از فناوری هوشمند تعیین می‌گردد مکلف است ظرف حداکثر ۱۰ روز جلسه‌ای با حضور طرفین تشکیل دهد. در صورت حصول نتیجه و انعقاد موافقت‌نامه داوریه، نهاد داوریه رسیدگی نموده و در غیر این صورت رسیدگی قضایی ادامه خواهد یافت.

شیوه ارجاع از دادگاه

ماده ۹- دعاوی غیر قابل ارجاع به داوری

دعاوی و امور زیر قابل ارجاع به داوری نیست:

دعای ورشکستگی و هر دعوایی که مطابق قانون باید به طرفیت مدیر تصفیه یا اداره تصفیه امور ورشکستگی اقامه شود؛

دعای راجع به اصل نکاح، فسخ آن، طلاق و نسب؛

دعای راجع به وقف و تولیت؛

دعای دیگری که به موجب قانون مرجع ویژه‌ای برای حل و فصل آنها پیش‌بینی شده باشد؛

ماده ۱۰- داوری در دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی

ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی یا به موجب قانون از امور مهم باشد باید به تصویب مجلس نیز برسد. دعاوی که موضوع آن مستقیماً راجع به اموال عمومی یا دولتی نباشد یا ناشی از اعمال تصدی‌گری باشد، از شمول این ماده خارج است.

ماده ۱۱- احراز موافقت‌نامه داوری

موافقت‌نامه داوری باید کتبی باشد و وجود آن به یکی از شکل‌های زیر احراز می‌شود:

موافقت‌نامه داوری ضمن سندی به امضای طرفین رسیده باشد اعم از اینکه به صورت شرط داوری در قرارداد اصلی یا به صورت موافقت‌نامه جداگانه باشد؛

ارجاع به سندی در قرارداد کتبی که متضمن شرط داوری است یا مبادله درخواست یا دفاعیه، نامه، تلکس، تلگرام، یا نظایر آنها که بر تراضی طرفین برای حل اختلافات از طریق داوری دلالت نماید یا یکی از طرفین وجود آن را ادعا کند و طرف دیگر عملاً آن را قبول کند؛

ماده ۱۲- استقلال شرط داوری

شرط داوری ضمن قرارداد از حیث اعتبار و نفوذ مستقل از قرارداد اصلی است. انتقال موقعیت قراردادی، بطلان، بی‌اعتباری، انحلال یا غیرقابل اجرا شدن قرارداد اصلی فی نفسه خللی به آن وارد نمی‌کند. تصمیم داور در مورد بطلان، بی‌اعتباری یا انحلال یا غیرقابل اجرا شدن قرارداد اصلی، به خودی خود به منزله بی‌اعتباری شرط داوری مندرج در قرارداد نیست.

ماده ۱۳- اثر موافقتنامه داوری

موافقتنامه داوری بین همان اشخاصی که آن را منعقد کرده‌اند مؤثر است. تسری موافقتنامه داوری به قائم مقام قراردادی در حق یا مال مورد اختلاف یا قرارداد اصلی یا شخص ثالث در صورتی است که تراضی قائم مقام و طرف دیگر قرارداد نسبت به موافقتنامه داوری احراز گردد. در صورتی که شرط داوری ضمن قرارداد اصلی باشد یا انتقال گیرنده قبل از انتقال از وجود موافقتنامه داوری جداگانه مطلع شده ولی صریحاً آن را رد نکرده باشد، به منزله قبول موافقتنامه داوری وی فرض می‌شود.

موافقتنامه داوری در مورد اختلافات ناشی از یا راجع به همان رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قراردادی که طرفین حل آن را به داوری ارجاع داده‌اند و آنچه مقدمه یا لازمه انجام داوری است، معتبر است.

در قرارداد متضمن تعهد به نفع شخص ثالث، در صورتی که ثالث تعهد به نفع خود را پذیرفته باشد، شرط داوری مندرج در قرارداد مزبور نسبت به ثالث نیز معتبر است.

در قرارداد متضمن تعهد یا ضمانت شخص ثالث به نفع یکی از طرفین قرارداد، در صورتی که ثالث شرط داوری را صریحاً رد نکرده باشد، شرط داوری مندرج در قرارداد مزبور نسبت به ثالث نیز معتبر است.

ماده ۱۴ - زوال موافقتنامه داوری

موافقتنامه داوری در موارد زیر از بین می‌رود:

با تراضی کتبی صریح یا ضمنی طرفین؛

در صورت عدم تمایل یا عدم توانایی یا فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی داور از انجام وظیفه در داوری مقید به شخص معین؛

با صدور حکم قطعی بر بطلان یا بی‌اعتباری موافقتنامه داوری؛

فصل سوم- ارجاع دعوا به داوری توسط دادگاه

ماده ۱۵- موارد ارجاع دعوا به داوری توسط دادگاه

دادگاه در موارد زیر دعوا را به داوری ارجاع می‌دهد:

در مواردی که طرفین تا قبل از ختم دادرسی از دادگاه درخواست کنند که دعوا را به داوری ارجاع دهد، اعم از اینکه دعوا در مرحله بدوی یا تجدیدنظر مطرح باشد؛

در مواردی که طرفین نسبت به دعوایی که در دیوانعالی کشور مطرح است از شعبه دیوان ارجاع دعوا به داوری را درخواست کنند. در این صورت شعبه دیوان ضمن صدور قرار توقف رسیدگی، پرونده را جهت ارجاع دعوا به داوری مطابق این ماده به آخرین دادگاه بدوی یا تجدیدنظر که رأی صادر کرده است ارسال می‌کند؛

ماده ۱۶- اقدام دادگاه در موارد ارجاع دعوا به داوری

در موارد مذکور در ماده ۱۵ حسب مورد دادگاه بدوی یا تجدیدنظر با احراز شرایط، طرفین را جهت انتخاب داور و مدت داوری دعوت می‌کند. چنانچه طرفین در انتخاب داور یا مدت داوری به توافق نرسند، دادگاه رأساً در همان جلسه ضمن تعیین مدت داوری، داور واجد شرایط را انتخاب و به طرفین ابلاغ می‌کند. طرفین می‌توانند تا ده روز از تاریخ ابلاغ، داور را با ذکر دلیل جرح کنند. در صورتی که دادگاه ایراد مطرح شده را وارد تشخیص دهد نسبت به معرفی داور جایگزین اقدام می‌کند. دادگاه پس از تعیین داور و اخذ قبولی و انقضای مهلت ایراد، نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف و نام و نام خانوادگی داور و مدت‌داوری را به داور و طرفین ابلاغ می‌نماید.

دادگاه بدوی یا تجدیدنظر، پس از ابلاغ تصمیم ارجاع دعوا به داوری، رسیدگی به دعوا را تا اتخاذ تصمیم از مرجع داوری متوقف می‌کند. پس از صدور رأی داور و قطعی شدن آن، چنانچه پرونده اصلی در دادگاه بدوی مطرح باشد دادگاه قرار رد دادخواست و چنانچه پرونده به دلیل تجدیدنظرخواهی یکی از طرفین در دادگاه تجدیدنظر مطرح باشد، دادگاه ضمن نقض دادنامه بدوی قرار رد دادخواست خواهان را صادر می‌نماید. تجدیدنظرخواهی از قرار رد دادخواست که از دادگاه بدوی در این خصوص صادر می‌شود در صورتی است که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظرخواهی باشد.

در صورتی که رأی داور در مدت مقرر صادر نشود یا رأی داور به موجب حکم قطعی ابطال گردد، دادگاه رسیدگی به دعوا را برابر مقررات ادامه می‌دهد.

در مواردی که پرونده در دیوانعالی کشور مطرح است، پس از صدور رأی داور و قطعی شدن آن یا در صورتی که رأی داور در مدت مقرر صادر نشود یا رأی داور به موجب حکم قطعی ابطال گردد، دادگاه مرجوع الیه پرونده را جهت اتخاذ تصمیم به شعبه دیوانعالی کشور ارسال می‌کند. شعبه دیوان حسب مورد نسبت به نقض بلالارجاع یا ادامه رسیدگی و اتخاذ تصمیم اقدام می‌کند.

در موارد فوق، مدیریت فرایند داوری با دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری است. تصمیمات دادگاه در مورد مدیریت فرایند داوری قطعی است.

ترازی طرفین برای رجوع به داوری در خصوص دعوای مطروح در دادگاه خارج از ترتیبات مذکور در هر مرحله‌ای که باشد به منزله استرداد دادخواست بدوی است. در این صورت دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می‌کند. چنانچه ترازی رجوع به داوری در مرحله رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر یا دیوانعالی کشور باشد، حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا شعبه دیوان ضمن نقض رأی، قرار ابطال دادخواست صادر می‌کند.

فصل چهارم - مدت داوری و تمدید آن

ماده ۱۷- مدت داوری

داور باید در مدت داوری رأی خود را صادر و حسب مورد به طرفین ابلاغ یا به مرجعی که امر ابلاغ را به عهده دارد، تسلیم نماید. مدت داوری در هر دعوا که به داوری ارجاع می‌شود تابع احکام زیر است:

مدت داوری با توافق طرفین تعیین می‌شود و اگر توسط طرفین تعیین نشده باشد، در داوری‌های داخلی پنج ماه و در داوری‌های بین‌المللی هشت ماه است؛

در مواردی که دعوا از سوی دادگاه به داوری ارجاع می‌شود، چنانچه طرفین در مورد مدت داوری توافق نکرده باشند، توسط دادگاه تعیین می‌گردد؛

ماده ۱۸- تمدید مدت داوری

مدت داوری همواره با ترازی صریح یا عملی طرفین قابل تمدید است.

در صورتی که طرفین تمدید مدت داوری را منع نکرده باشند، داور در صورت لزوم می‌تواند مدت داوری را در داوری‌های داخلی حداکثر برای یک ماه و در داوری‌های بین‌المللی حداکثر برای سه ماه تمدید کند مشروط به اینکه قبل از انقضای مدت داوری تصمیم خود را با ذکر دلیل به طرفین ابلاغ کند.

در مواردی که دعوا از سوی دادگاه به داوری ارجاع شده است، دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت به درخواست داور یک بار مدت داوری را تمدید و به طرفین و داور ابلاغ کند.

ماده ۱۹- ابتدای مدت داوری

شروع مدت داوری در هر دعوا بر اساس قواعد زیر تعیین می‌شود، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند:

در مواردی که دعوا توسط دادگاه به داوری ارجاع می‌شود، تاریخ ابلاغ به داور ابتدای مدت داوری است؛

در سایر موارد، تاریخ قبولی داور یا تاریخ تقدیم درخواست داوری به داور، هر کدام که مؤخر باشد ابتدای مدت داوری است؛

در صورتی که تعداد داوران بیش از یک نفر باشد، حسب مورد تاریخ ابلاغ یا تاریخ قبولی یا تاریخ تقدیم درخواست داوری به همه داوران مناط اعتبار است؛

در مواردی که درخواست داوری فاقد شرایط لازم باشد، تاریخ تکمیل و رفع نقص، تاریخ تقدیم درخواست داوری محسوب می‌شود، مشروط بر اینکه داور موارد نقص را صریحاً به خواهان داوری ابلاغ کرده باشد؛

فصل پنجم- شرایط، نحوه انتخاب و تشریفات جرح داور

ماده ۲۰- تعداد داوران

تعداد داوران بر مبنای توافق طرفین تعیین می‌شود. چنانچه تعداد داوران توسط طرفین تعیین نشده باشد، داور واحد تعیین می‌شود مگر اینکه طرفین به هیأت داوری تصریح کرده باشند یا حسب مورد دادگاه یا مقام ناصب با توجه به اوضاع و احوال دعوی از قبیل موضوع، میزان و نوع خواسته رسیدگی توسط هیأت داوران را لازم بداند که در این صورت هیأت مزبور به عدد فرد تعیین می‌شود.

ماده ۲۱- تابعیت داور

هیچ کس از انتخاب شدن به عنوان داور به لحاظ تابعیت ممنوع نیست مگر در مواردی که در این قانون تصریح شده است.

ماده ۲۲- استقلال و بی‌طرفی داور

مقام ناصب نمی تواند اشخاصی را که به هر دلیل استقلال یا بی طرفی ایشان مورد تردید موجه باشد به عنوان داور انتخاب کند.

ماده ۲۳- اشخاص ممنوع از داوری

اشخاص زیر هر چند با تراضی طرفین نمی توانند به عنوان داور انتخاب شوند و در صورت انتخاب شدن نیز مکلفند از انجام داوری امتناع کنند:

اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند؛

اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه از داوری محروم شده اند؛

دارندگان پایه قضایی و کارمندان شاغل در مراجع قضایی؛

کارکنان شاغل در دستگاههای اجرایی مشمول ماده ۲۹ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در دعاوی دستگاههای اجرایی متبوع؛

اشخاصی که در دعوا مستقیماً ذینفع باشند؛

اشخاصی که نسبت به یکی از طرفین دارای سمت باشند مانند، مدیرعامل، وکیل، نماینده، ولی، وصی و قیم؛

ماده ۲۴ - تکلیف افشا

شخصی که به عنوان داور انتخاب می شود قبل از قبول داوری باید وجود هر یک از شرایط مندرج در ماده ۲۳ یا هرگونه اوضاع و احوالی را که ممکن است در مورد بی طرفی یا استقلال وی تردید موجه ایجاد کند، حسب مورد به مقام ناصب یا طرفین کتباً اعلام کند. هم چنین داور باید از زمان انتخاب و در طول جریان داوری بروز چنین اوضاع و احوال یا حدوث هر یک از موانع مذکور را بدون تاخیر به طرفین اعلام کند. در غیر اینصورت مسئول جبران خساراتی است که در اثر انجام داوری به هر یک از طرفین وارد می شود.

ماده ۲۵- نحوه انتخاب داور

چنانچه در موافقت نامه داوری، تعداد داور معین نشده باشد یا انجام داوری توسط داور واحد مقرر شده باشد، داور واحد با موافقت خواهان و خوانده تعیین می شود.

چنانچه مقرر شده باشد هیأت داوران تعیین شود، هر طرف داور خود را انتخاب می‌کند و داوران منتخب سرداور را تعیین می‌کنند مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

در مواردی که چند خواهان یا چند خوانده وجود داشته باشد چنانچه مقرر شده باشد داوری توسط داور واحد انجام شود، داور واحد با موافقت همه خواهانها و خواندگان تعیین می‌شود و اگر مقرر باشد هیأت داوران تعیین شود، همه خواهانها یک داور اختصاصی و همه خواندگان یک داور اختصاصی تعیین می‌کنند و داوران منتخب سرداور را تعیین می‌کنند مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. هرگاه در مورد خواهان یا خوانده بودن یک یا چند طرف داوری اختلاف باشد، به درخواست هر یک از طرفین، هیأت داوری مرکب از سه نفر به انتخاب دادگاه صالح خواهد بود.

در داوری‌های موردی طرفین باید در موافقت‌نامه داوری یا به موجب توافق جداگانه داور یا مقام ناصب را به طوری که رافع اشتباه باشد تعیین کنند. چنانچه طرفین نتوانند در تعیین داور یا داوران توافق کنند، خواهان باید حسب مورد نام و نام خانوادگی، شغل، سن، و نشانی داور واحد مورد نظر یا داور اختصاصی خود و سرداور پیشنهادی را پس از اخذ قبولی، طی اظهارنامه رسمی یا هر طریقی که ابلاغ را مدلل نماید به طرف مقابل اعلام کند. چنانچه خوانده ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه، موافقت خود را با داور واحد یا سرداور پیشنهادی اعلام نکند یا داور اختصاصی خود را معرفی نکند یا بدون موافقت با سرداور پیشنهادی فقط داور اختصاصی خود را معرفی کند و داوران اختصاصی ظرف ده روز نسبت به تعیین سرداور به توافق نرسند، یا مقام ناصب نخواهد یا نتواند به وظیفه خود عمل کند، به منزله ملغی‌الاثربودن موافقت‌نامه داوری است.

در مواردی که طرفین تعیین داور را به مقام ناصب واگذار کرده باشند، مقام ناصب با در نظر گرفتن شرایط توافقی طرفین و قواعد آمره قانونی، داور واجد شرایط را ظرف مهلت ده روز از تاریخ درخواست هر یک از طرفین تعیین و پس از اخذ قبولی او، به طریق مقتضی با ذکر مشخصات داور منتخب و نشانی وی به نحوی که رافع اشتباه باشد به طرفین ابلاغ می‌کند. متقاضی باید در درخواست نصب داور موضوع دعوا و خواسته و مشخصات طرفین و نشانی آنها را ذکر کند.

طرفین می‌توانند توافق کنند که دادگاه به عنوان مقام ناصب نسبت به نصب داور اقدام کند. در این صورت دادگاه به درخواست هر یک از طرفین در وقت فوق‌العاده با رعایت کلیه وظایفی که برای مقام ناصب مقرر شده است داور واجد شرایط را انتخاب و به طرفین ابلاغ می‌کند. طرفین می‌توانند تا ده روز از تاریخ ابلاغ، داور را با ذکر دلیل، جرح نمایند. در صورتیکه دادگاه ایراد مطرح شده را وارد تشخیص دهد با رعایت ترتیبات فوق نسبت به معرفی داور جایگزین اقدام می‌کند. هرگاه نسبت به موافقت‌نامه داوری بین طرفین اختلافی باشد دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید. دادگاه پس از تعیین داور و اخذ قبولی و انقضای مهلت ایراد،

نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف را به داور و طرفین ابلاغ می‌کند. تصمیم دادگاه در مورد ایراد جرح و تعیین داور قطعی است.

ماده ۲۶ - تعیین داور جانشین

هرگاه مأموریت داور به جهت جرح، فوت، حجر یا به علت کناره‌گیری یا با توافق طرفین خاتمه پذیرد یا به موجب قانون یا عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد، داور جانشین مطابق مقررات حاکم بر تعیین همان داور که تغییر یافته است، تعیین می‌شود.

ماده ۲۷ - احراز قبولی داور

در انتخاب داور توسط طرفین یا مقام ناصب، انتخاب کننده مکلف است قبولی داور را اخذ کند. قبولی داور با امضای موافقت‌نامه داوری یا هر سند دیگری که متضمن نام وی به عنوان داور است یا اقدام عملی داور به انجام داوری احراز می‌گردد. در مواردی که داور قبل از درخواست داوری قبولی خود را اعلام نکرده باشد و ظرف یک هفته از تاریخ تقدیم درخواست داوری به وی، قبولی خود را کتباً به طرفین اعلام نکند، به منزله عدم قبولی است.

ماده ۲۸ - عزل داور

پس از تعیین داور، هیچ یک از طرفین حق عزل داور را ندارد، مگر با رضایت کتبی طرف مقابل. مفاد این ماده در خصوص داور اختصاصی هر یک از طرفین نیز مجری است.

ماده ۲۹ - بقا و زوال سمت داور

سمت داور که با توافق طرفین در اجرای موافقت‌نامه داوری تعیین می‌شود، در همه دعاوی مرتبط با موضوع موافقت‌نامه، استمرار می‌یابد مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده یا داور منتخب صراحتاً قبولی خود را منحصر به دعوای خاصی اعلام کرده باشد که در این صورت تعیین داور در دعاوی دیگر مطابق مقررات این فصل خواهد بود.

سمت داور منتخب مقام ناصب یا دادگاه در مواردی که دعوا توسط دادگاه به داوری ارجاع می‌شود و همچنین سمت داوری که در فرایند داوری‌های سازمانی با توافق طرفین یا توسط سازمان مرجوع الیه به این سمت منصوب می‌شود، منحصر به همان دعوای ارجاع شده به داور است.

ماده ۳۰ - جهات جرح داور

جهات جرح عبارت از فقدان شرایط قراردادی یا قانونی مندرج در مواد ۲۲، ۲۳ و ۹۸ است. هر طرف صرفاً به استناد عللی که پس از تعیین داور از آنها مطلع شده، می‌تواند داوری را که خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است، جرح کند.

ماده ۳۱ - تشریفات جرح

طرفین می‌توانند در مورد تشریفات جرح داور توافق کنند.

در صورت عدم توافق طرفین، طرفی که قصد جرح دارد باید ظرفده روز از تاریخ شروع داوری یا در صورتی که جهات جرح داور در جریان داوری حادث یا کشف شود، ظرفده روز از تاریخ اطلاع، ایراد جرح را با ذکر دلایله داور اعلام کند. داور در مورد جرح ظرف ده روز اتخاذ تصمیم می‌کند.

چنانچه داور ایراد جرح را وارد نداند، باید تصمیم خود را به ایراد کننده ابلاغ کند. این تصمیم ظرف بیست روز توسط ایراد کننده قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه خارج از نوبت به اعتراض رسیدگی و در خصوص جرح اتخاذ تصمیم می‌کند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

پذیرش جرح داور توسط طرف دیگر یا کناره‌گیری داور پس از جرح موجب سلب سمت داور می‌شود و هیچ یک از این موارد به منزله قبول جهات جرح نیست.

رسیدگی به ادعای جرح در دادگاه تا وقتی که ایراد جرح مورد پذیرش دادگاه قرار نگرفته است، مانع رسیدگی داور و صدور رأی داوری نیست.

فصل ششم - جریان داوری

ماده ۳۲ - آئین حاکم بر داوری

آیین داوری را جز در مواردی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند، داور تعیین می‌کند و در غیر این صورت تابع این قانون است. جریان داوری تابع تشریفات آئین دادرسی مدنی نیست، با این حال رعایت مقررات داوری و قواعد و اصول بنیادین دادرسی از جمله رفتار مساوی با طرفین و فرصت متعارف برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل ضروری است. رسیدگی داوری غیر علنی و محرمانه است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۳۳ - نمایندگی و وکالت در داوری

هر یک از طرفین می‌تواند فرد یا افرادی را به عنوان وکیل یا نماینده خود با ذکر مشخصات کامل به داور یا سازمان داوری معرفی کند. وکالت و نمایندگی در داوری بدون اینکه نیاز به تصریح داشته باشد شامل تمام اختیارات راجع به امر داوری است مگر آنچه‌ها که موکل یا اصیل استثناء کرده یا توکیل و نمایندگی در آن خلاف قانون باشد. احراز سمت نمایندگی یا وکالت با داور است. پس از معرفی وکیل یا نماینده، کلیه ابلاغها و اوراق به وکیل یا نماینده معرفی شده ابلاغ می‌شود مگر اینکه شخص اصیل ترتیب دیگری مقرر کرده باشد.

ماده ۳۴- درخواست داوری

داور وقتی به دعوا رسیدگی می‌کند که شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را از داور درخواست کرده باشند. درخواست داوری علاوه بر داشتن شرایط مقرر بین طرفین باید مشتمل بر مشخصات طرفین، موافقتنامه داوری مورد استناد، خواسته، نکات مورد اختلاف و تعهدات یا جهات دیگری که به موجب آن خواهان خود را مستحق می‌داند باشد.

در صورتی که درخواست داوری در زمان تقدیم، فاقد شرایط مقرر باشد، داور باید به نحو مقتضی از خواهان بخواهد تا موارد را تکمیل کند و درخواست داوری تا زمان رفع نقص قابل ترتیب اثر نیست و چنانچه در مهلت مقرر تکمیل نشود قرار ابطال درخواست صادر می‌شود.

ماده ۳۵- اصلاح درخواست یا لایحه

هر یک از طرفین می‌تواند درخواست داوری یا دفاعیه خود را در طول رسیدگی اصلاح یا تکمیل کند مگر اینکه بین طرفین ترتیب دیگری مقرر شده باشد یا داور اصلاح یا تکمیل آن را به علت تأخیر یا تبعیض نسبت به طرف دیگر مجاز تشخیص ندهد.

ماده ۳۶- تسلیم اسناد به داور

طرفین باید اسناد و مدارک خود را به داور تسلیم کنند. داور نیز می‌تواند توضیحات لازم را از آنان بخواهد و در صورت ضرورت نسبت به انتخاب کارشناس و اخذ نظر وی اقدام کند.

کلیه لوايح، مدارک و سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به داور تسلیم شده و همچنین گزارش کارشناسی یا ارزیابی یا مدارکی که ممکن است، داور هنگام اتخاذ تصمیم به آنها استناد کند، به طرفین ابلاغ می‌شود.

ماده ۳۷- ترجمه اسناد به زبان داوری

در صورتی که اسناد ضمیمه درخواست داور یا لایحه تفصیلی یا دفاعی و هرگونه سند دیگر که در جریان رسیدگی تسلیم می‌شود به زبانی غیر از زبان داور باشد، ارائه کننده سند یا لایحه باید همراه با آن ترجمه اسناد مذکور را به زبان منتخب در داور ارایه کند. عدم اجرای تکلیف فوق از سوی ارائه کننده اسناد یا لوائح در موعد مقرر، به منزله عدول از این اسناد یا لوائح است.

ماده ۳۸ - قصور طرفین

در صورتی که خوانده بدون عذر موجه در تقدیم دفاعیه قصور کند داور رسیدگی را ادامه خواهد داد، بدون اینکه کوتاهی مزبور فی نفسه به معنای قبول ادعای خواهان توسط خوانده تلقی شود.

اگر هر یک از طرفین از حضور در جلسه استماع و یا ارایه ادله مورد استناد خویش خودداری کند داور می‌تواند رسیدگی را ادامه دهد و براساس مدارک موجود به صدور رأی مبادرت کند.

ماده ۳۹ - مکاتبات و ابلاغ اوراق و دعوت نامه‌ها

داور می‌تواند نحوه و مرجع ابلاغ را مشخص و بر اساس آن اقدام کند، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. ابلاغ ممکن است با استفاده از روشهایی مانند اظهارنامه، نامه سفارشی، پیام تصویری، تلکس، سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی پیام‌نگار، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و یا هر روشی که بتواند سابقه ارسال ایجاد کند انجام شود.

موعدی که ابتدای آن، تاریخ ابلاغ یا اعلام ذکر شده است، روز ابلاغ و اعلام و همچنین روز اقدام جزء مهلت محسوب نمی‌شود. چنانچه روز آخر موعد، مصادف با روز تعطیل باشد، آن روز به حساب نمی‌آید و روز بعد از تعطیل روز آخر موعد خواهد بود.

ماده ۴۰ - احراز ابلاغ

گواهی داور یا سازمان داور مبنی بر ابلاغ اوراق، دعوت نامه‌ها یا رأی داور در مواردی که انجام آن با داور یا سازمان داور باشد معتبر است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۴۱ - اداره فرایند داور

مدیریت فرایند داور مانند هماهنگی، سازماندهی، تعیین یا نصب داور، رسیدگی به جرح، ابلاغ اوراق و دعوت از طرفین در داورهای سازمانی به عهده سازمان و در داورهای موردی حسب مورد به عهده داور یا سرداور است.

ماده ۴۲- قطعیت تصمیم سازمان داوری

تصمیم سازمان داوری که برای مدیریت فرآیند داوری اتخاذ می شود قابل اعتراض در دادگاه نیست.

ماده ۴۳ - محل داوری

رسیدگی داور در مقر داوری یا محل مورد توافق طرفین یا در محلی که داور با توجه به اوضاع و احوال دعوا و سهولت دسترسی طرفین تعیین می کند انجام می شود. داور می تواند برای شور بین اعضاء، استماع شهادت شهود و کارشناسان طرفین یا بازرسی کالا و سایر اموال و یا اسناد و مدارک، در هر محلی که خود مقتضی بداند تشکیل جلسه دهد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. صرف تشکیل جلسات رسیدگی در محلی که طرفین یا داور مقتضی بدانند تغییر مقر داوری محسوب نمی شود.

ماده ۴۴- صلاحیت نسبت به صلاحیت

تشخیص صلاحیت داور به عهده خود اوست. داور در مورد وجود یا اعتبار موافقت نامه داوری نیز اتخاذ تصمیم می کند.

ماده ۴۵- ایراد به صلاحیت داور

ایراد به صلاحیت داور باید قبل از دفاع ماهیتی مطرح شود. صرف تعیین و یا مشارکت در تعیین داور توسط هر یک از طرفین مانع از ایراد صلاحیت نخواهد بود. ایراد به خروج داور از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داوری باید فوراً بعد از بروز آن عنوان شود. داور می تواند ایراد خارج از مهلت را در صورتیکه تاخیر را موجه تشخیص دهد بپذیرد.

ماده ۴۶- رأی مقدماتی صلاحیتی

داور می تواند به عنوان یک امر مقدماتی در خصوص ایراد به صلاحیت یا وجود و یا اعتبار موافقت نامه داوری اقدام به صدور رأی کند یا ضمن رأی داوری در خصوص آن اظهار نظر کند، مگر آنکه طرفین به نحو دیگر توافق کرده باشند. چنانچه داور به عنوان یک امر مقدماتی بر صلاحیت خود یا وجود و اعتبار موافقت نامه داوری رأی دهد، هر یک از طرفین می تواند ظرف ده روز پس از ابلاغ، از این رأی نزد دادگاه صالح شکایت کند. دادگاه مکلف است خارج از نوبت به این شکایت رسیدگی و رأی مقتضی صادر کند. رأی دادگاه قطعی است. این شکایت تا وقتیکه ایراد صلاحیت مورد پذیرش دادگاه قرار نگرفته است، مانع ادامه رسیدگی داور نیست.

ماده ۴۷- ارجاع به کارشناس

داور می‌تواند در مواردی که موضوع را به کارشناسی ارجاع می‌دهد مقرر کند که هر کدام از طرفین هرگونه اطلاعات مرتبط را در اختیار کارشناس قرار دهند و موجبات دسترسی وی را به مدارک مربوط، کالا، یا سایر اموال برای انجام بازبینی فراهم آورد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند

در صورتی که داور لازم بداند کارشناس باید پس از تقدیم گزارش کتبی، در جلسه استماع نیز شرکت کند و به سؤالات پاسخ بگوید. طرفین نیز می‌توانند به منظور ادای شهادت در خصوص نکات مورد اختلاف، کارشناس یا کارشناسانی را به عنوان شاهد خود معرفی کنند.

ماده ۴۸- اسناد و اطلاعات نزد ثالث

هرگاه دسترسی به سند یا اطلاعات مرتبط به دعوا نزد دستگاه‌های اجرایی یا سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی مؤثر در موضوع تشخیص داده شود، به شرح زیر اقدام می‌گردد:

در داورهای سازمانی، سازمان داور می‌تواند به طور کتبی و با ذکر مشخصات اصحاب دعوا اطلاعات مورد نیاز را از مراجع مذکور استعلام یا تصویر اسناد را مطالبه کند و مخاطب جز در مواردی که ابراز سند با مصالح سیاسی کشور و یا نظم عمومی منافات داشته باشد، در حدود قوانین و مقررات به استعلام‌های ارسالی پاسخ خواهد داد.

در داورهای موردی، داور می‌تواند از طریق مؤسسه داور ناظر، استعلام اطلاعات مورد نیاز یا اخذ تصویر اسناد از مخاطب را درخواست کند. کلیه مراجع مکلف به پاسخگویی در این رابطه هستند و موارد محدودیت بر اساس آیین نامه رییس قوه قضاییه خواهد بود.

ماده ۴۹- امتناع یا استعفای یکی از داوران

اگر یکی از اعضای هیأت داور استعفا دهد یا از دادن رأی امتناع کند و یا در جلسه داور حضور پیدا نکند، داوران دیگر به موضوع رسیدگی و رأی می‌دهند مگر این‌که طرفین داور دیگری معرفی کرده باشند که در این صورت مطابق ماده ۵۰ عمل می‌شود.

ماده ۵۰- ادامه رسیدگی توسط داور جانشین

اگر داور واحد یا اکثریت هیأت داوران تعویض شود، داور یا هیأت داور جدید مکلف است با توجه به لوایح طرفین و رسیدگی‌های انجام شده، رسیدگی را ادامه دهد و اقدام به صدور رأی کند، مگر آن‌که داور

واحد جانشین یا هیأت مزبور تجدید تمام یا بخشی از رسیدگی‌ها و تصمیمات داور قبلی را ضروری بدانند. در هر حال مدت داورى به این سبب افزایش نمی‌یابد.

ماده ۵۱- تشکیل جلسه استماع

تشخیص ضرورت تشکیل جلسه استماع با داور است. چنانچه یکی از طرفین درخواست تشکیل جلسه کند، برگزار کردن یک نوبت جلسه استماع الزامی است. دعوت به جلسه از سوی داور باید به گونه‌ای باشد که فرصت معقولی برای دفاع هر یک از طرفین وجود داشته باشد. این مهلت در هر حال کمتر از پنج روز نخواهد بود. عدم حضور هر یک طرفین مانع رسیدگی و صدور رأی نیست.

هرگاه حل اختلاف به عهده هیأت داورى باشد، همه داوران باید از جلسه‌ای که برای رسیدگی یا مشاوره و یا صدور رأی تشکیل می‌شود مطلع باشند و اگر داور از شرکت در جلسه یا دادن رأی یا امضای آن امتناع کند، رأیی که با اکثریت صادر می‌شود مناط اعتبار است مگر این که طرفین به ترتیب دیگری توافق کرده باشند. مراتب نیز باید در برگ رأی قید گردد. ترتیب تشکیل جلسه نحوه رسیدگی و دعوت برای حضور در جلسه، توسط داوران تعیین می‌شود.

ماده ۵۲- ارزیابی ادله

اختیار داور در پذیرش و ارزیابی ادله از قبیل گواهی گواهان و نظریه کارشناس همانند اختیار دادگاه است.

ماده ۵۳- توقف رسیدگی داور

جریان داورى پیش از ختم رسیدگی، در موارد زیر متوقف می‌گردد و مدت توقف جزء مدت داورى محسوب نمی‌شود:

هرگاه ضمن رسیدگی مسایلی کشف شود که مربوط به وقوع جرمی باشد و در رأی داور مؤثر بوده و تفکیک جهات مدنی از جزایی ممکن نباشد و همچنین در صورتی که رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت مرجع دیگری است، رسیدگی داور، از تاریخ اتخاذ تصمیم در این خصوص تا صدور رأی نهایی از مرجع صلاحیت‌دار متوقف می‌گردد. در این صورت داور به طرف استناد کننده ابلاغ می‌کند ظرف بیست روز گواهی طرح دعوا یا شکایت را حسب مورد از مرجع صلاحیت دار دریافت و به داور ارائه کند، در غیر این صورت جریان داورى پس از انقضای مدت بیست روز ادامه خواهد یافت. ادعای جعل و تزویر در سند بدون تعیین عامل آن و یا در صورتی که تعقیب وی به جهتی از جهات قانونی ممکن نباشد مشمول این بند نیست؛

در صورت حجر یا ورشکستگی یکی از طرفین، رسیدگی داور حسب مورد از تاریخ حجر یا ورشکستگی تا تعیین و معرفی قیم یا مدیر تصفیه متوقف می‌گردد. در صورتیکه تا سه ماه از تاریخ صدور حکم حجر یا ورشکستگی، قیم یا مدیر تصفیه به داور معرفی نشود، داور مکلف است به تقاضای خواهان داور، رأی به خاتمه داور صادر کند. در این صورت خواهان می‌تواند دعوای خود را در مرجع قضایی اقامه کند؛

در موارد خاتمه مأموریت داور مطابق ماده ۲۶ یا در مواردی که داور به موجب قانون یا عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد، از تاریخ حدوث هر یک از جهات تا تاریخ تعیین داور جانشین رسیدگی متوقف می‌شود. در داورهای موردی در صورتی که با انقضای مهلت، اقدامی به عمل نیاید یا طرفین نتوانند در تعیین داور جانشین توافق کنند یا مقام ناصب نخواهد یا نتواند به وظیفه خود عمل کند، موافقتنامه داور ملغی‌الاثربوده و رسیدگی به دعوا برابر مقررات در دادگاه به عمل می‌آید.

ماده ۵۴ - انصراف از داور

انصراف از درخواست داور نسبت به تمام یا بخشی از خواسته در صورت پرداخت سهم خود و طرف مقابل از هزینه داور و نیز تمامی خسارت طرف مقابل، بلامانع است. انصراف از داور پس از اعلام ختم رسیدگی توسط داور، منوط به موافقت طرف مقابل یا انصراف کلی از حق مورد ادعا است. داور مکلف است در صورت موافقت طرفین ختم داور را اعلام و در صورت انصراف کلی از حق مورد ادعا رأی به سقوط دعوا صادر کند. استرداد درخواست مانع طرح مجدد آن نزد مرجع داور نیست. در صورت صدور رأی به سقوط دعوا طرح مجدد آن در هیچ مرجعی قابل استماع نیست.

ماده ۵۵ - ورود ثالث

هرگاه شخص ثالثی در موضوع داور برای خود مستقلاً حقی قایل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده است وارد داور شود، مشروط بر اینکه موافقتنامه و آئین داور و داور را بپذیرد و ورود وی مورد ایراد هیچ کدام از طرفین واقع نشود. در غیر این صورت به دعوای ثالث برابر مقررات به طور مستقل در دادگاه رسیدگی می‌شود.

ماده ۵۶ - جلب ثالث

جلب شخص ثالث به داور در صورتی ممکن است که طرف مقابل و داور و شخص ثالث با آن موافقت کنند، در غیر این صورت به ادعای مذکور برابر مقررات به طور مستقل در دادگاه رسیدگی می‌شود. جلب

شخص ثالث به داوری به نحو مذکور به منزله قبول موافقت‌نامه و آئین داوری و داور توسط شخص ثالث است و تمام آثار آن نسبت به ثالث نیز مجری است.

ماده ۵۷- اتخاذ تصمیم هیأت داوران

هر گونه تصمیم هیأت داوری باید با اکثریت اعضا اتخاذ شود مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. تصمیم‌گیری سرداور در امور شکلی داوری، در صورتی ممکن است که چنین اجازه‌ای از سوی هیأت داوری به وی داده شده باشد.

فصل هفتم- اقدامات تأمینی

ماده ۵۸- قرار موقت

در امور مربوط به موضوع اختلاف که نزد داور مطرح شده و محتاج به تعیین تکلیف فوری است، داور می‌تواند به درخواست خواهان قرار موقت دایر بر توقیف مال یا انجام عمل و یا منع از انجام امری صادر کند. داور مکلف است ضمن قرار، مبلغی که بابت خسارت احتمالی ناشی از اجرای قرار موقت باید سپرده شود تعیین کند. در صورتی که به جهت انصراف خواهان از داوری یا انصراف کلی از حق مورد ادعا یا به دلیل عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی حسب مورد رأی به ختم داوری یا سقوط دعوا صادر شود یا در مدت داوری موجب قرار موقت مرتفع گردد، داور قرار موقت را لغو و طبق مقررات به طرفین ابلاغ می‌کند.

ماده ۵۹- تأمین خواسته

خواهان داوری می‌تواند ضمن درخواست داوری راجع به اصل دعوا یا در جریان داوری در مواردی که دعوا مستند به سند رسمی یا اوراق تجاری وخواست شده برابر مقررات باشد یا خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد یا خواهان خسارتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید بپردازد از داور درخواست تأمین خواسته نماید و داور مکلف به قبول آن است. در مورد اخیر داور مکلف است ضمن صدور تأمین خواسته مبلغی که بابت خسارت احتمالی ناشی از اجرای تأمین خواسته باید سپرده شود تعیین کند.

ماده ۶۰- اجرای قرار موقت و تأمین خواسته

قرار موقت و تأمین خواسته به درخواست ذینفع توسط دادگاه صالح پس از ابلاغ برابر مقررات اجرای رأی داور اجرا می‌شود مگر اینکه داور به دلیل فوریت امر یا ورود ضرر غیر قابل جبران اجرای قبل از ابلاغ را در قرار موقت یا تأمین خواسته به نحو مستدل تصریح کرده باشد. متقاضی مکلف است حسب مورد یک نسخه

از اصل قرار موقت یا تأمین خواسته و تصویر مصدق از موافقت‌نامه داوری را به ضمیمه درخواست به دادگاه تسلیم کند.

قرار موقت داور پس از تایید رئیس حوزه قضایی و تودیع وجه تعیین شده بابت خسارت احتمالی در صندوق دادگستری قابل اجرا است. قرار تأمین خواسته نیز در مواردی که مقرر شده است وجهی بابت خسارت احتمالی تودیع شود، پس از تودیع مبلغ مقرر در صندوق دادگستری قابل اجرا است.

اجرای اقدامات تأمینی صادر شده از مراجع داوری خارجی همانند اجرای آرای داوری خارجی و مطابق معاهدات لازم الاجرا است.

ماده ۶۱- شکایت از قرار موقت و تأمین خواسته

قرار موقت و تأمین خواسته ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ در دادگاهی که دستور اجرا داده است قابل شکایت است. دادگاه در وقت فوق‌العاده به شکایت رسیدگی می‌کند و در صورتی که شکایت را وارد تشخیص دهد حسب مورد قرار موقت یا تأمین خواسته را لغو و از آن رفع اثر می‌کند. تصمیم دادگاه قطعی است.

ماده ۶۲- رفع اثر از قرار موقت و تأمین خواسته

دادگاهی که دستور اجرای قرار موقت یا تأمین خواسته را داده است، در موارد زیر حسب مورد از آن رفع اثر می‌کند:

طرف دیگر تأمینی بدهد که متناسب با موضوع قرار موقت باشد و داور رفع اثر را ضروری تشخیص داده باشد؛

رای داور مبنی بر بی‌حقی یا بطلان یا سقوط دعوای خواهان صادر شود؛

رای داور در مدت داوری صادر و تسلیم نشود؛

ظرف ۱۰ روز از تاریخ انصراف از درخواست داوری توسط خواهان یا خاتمه داوری به سبب تراضی طرفین یا فوت یکی از آنها، خواهان دعوای خود را در دادگاه اقامه نکند؛

داور در مدت داوری قرار موقت و تأمین خواسته را لغو کند؛

جانشین داور متوفی یا محجور یا مستعفی در مدت باقیمانده داوری تعیین نشود؛

رسیدگی داور در موارد مذکور در ماده ۵۳ بیش از سه ماه متوقف بماند و به تشخیص داور رفع اثر از قرار موقت یا تأمین خواسته ضروری باشد؛

رای داور یا موافقت‌نامه داوری به موجب حکم قطعی ابطال گردد یا به تشخیص دادگاه موجب قرار موقت یا تأمین خواسته مرتفع گردد؛

ماده ۶۳- مطالبه خسارت و استرداد وجه خسارت احتمالی

در صورتی که قرار موقت یا تأمین خواسته اجرا گردد و رأی در مدت داوری صادر نشود یا رأی به خاتمه داوری یا سقوط دعوا یا بی‌حقی خواهان صادر شود یا رأی داور ابطال گردد، خواننده داوری حق دارد ظرف ده روز حسب مورد از تاریخ انقضای مدت داوری یا ابلاغ رأی داور مبنی بر خاتمه داوری یا سقوط دعوا یا حکم ابطال رأی داور، با تسلیم دلایل به دادگاهی که دستور اجرای قرار موقت یا تأمین خواسته را صادر کرده است، خسارتی را که از اجرای قرار موقت یا تأمین خواسته به او وارد شده است مطالبه کند. مطالبه خسارت در این مورد بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی صورت می‌گیرد. مفاد تقاضا به طرف ابلاغ می‌شود تا چنانچه دفاعی داشته باشد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ با دلایل آنرا عنوان کند. دادگاه خارج از نوبت به دلایل طرفین رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌کند. این رأی قطعی است.

در صورت لغو قرار موقت یا تأمین خواسته تا قبل از اجرای آن یا پس از قطعی شدن رأی محکومیت خواننده داوری یا در صورتی که خواننده در مهلت مقرر مطالبه خسارت نکند، به دستور دادگاه وجهی که بابت خسارت احتمالی سپرده شده است به درخواست خواهان به او مسترد می‌شود.

ماده ۶۴- اقدامات تأمینی دادگاه

هر یک از طرفین می‌تواند قبل یا بعد از شروع رسیدگی داوری از دادگاه صالح مطابق قانون صدور قرار تأمین خواسته یا دستور موقت را تقاضا کند هر چند مقرر داوری خارج از ایران باشد. در این صورت، گواهی طرح دعوی نزد داور یا سازمان داوری به منزله گواهی طرح دعوا نزد دادگاه صالح، به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی است. مراجعه به دادگاه برای اخذ دستور موقت یا قرار تأمین خواسته به معنای تخلف یا انصراف از موافقت‌نامه داوری نیست.

ماده ۶۵- اولویت اقدامات تأمینی

در صورتی که حسب مورد قرار یا دستور موقت یا تأمین خواسته از دادگاه و داور صادر شده باشد، هر کدام که دستور اجرای آن مقدم باشد اجرا می‌شود.

فصل هشتم: رأی داور و ابلاغ آن

ماده ۶۶- ختم رسیدگی

داور پس از احراز اینکه طرفین از فرصت کافی و معقول برای ارائه مطالب و دفاع برخوردار شده‌اند ختم رسیدگی را اعلام می‌کند. داور می‌تواند در صورت تعدد دعاوی (اعم از اصلی و طاری) با تفکیک دعوایی که معد صدور رأی باشد، نسبت به آن ختم رسیدگی را اعلام و رسیدگی نسبت به دعوا یا دعاوی دیگر را ادامه دهد.

ماده ۶۷- رأی سازشی

چنانچه طرفین در جریان داوری، اختلافات خود را از طریق سازش حل و مراتب را به داور اعلام کنند، داور باید رسیدگی را ختم و بر اساس توافق طرفین رأی سازشی صادر کند. این رأی برابر مقررات لازم‌الاجرا است.

ماده ۶۸- اختیار داور برای صلح

در صورتی که داور اختیار صلح داشته باشد می‌تواند دعوا را با صلحنامه دهد. در این صورت صلحنامه‌ای که به امضای داور رسیده باشد معتبر و قابل اجراست. هر گاه سازش محقق نشود اعلامات، تعهدات و گذشت‌هایی که طرفین هنگام تراضی به سازش به عمل آورده‌اند، منشا اثر نیست.

ماده ۶۹- رأی کدخدامنشانه

داور تنها در صورتی می‌تواند کدخدامنشانه یا بر اساس برابری و انصاف رأی صادر کند که طرفین صریحاً چنین اختیاری را به او داده باشند.

ماده ۷۰- شکل رأی

رأی داور باید کتبی باشد و به امضای داور برسد و در صورتی که اقلیت از امضای آن خودداری کند، در رأی تصریح شود. اقلیت می‌تواند نظر مخالف یا نظر جداگانه خود را در ذیل رأی یا در پرونده درج کند.

ماده ۷۱- مفاد رأی

رأی داور باید موجه و مستدل و حاوی موارد زیر باشد:

مشخصات کامل طرفین؛

مشخصات داور؛

نام سازمان داوری در داوری‌های سازمانی؛

تاریخ صدور رأی؛

مقر داوری؛

جریان رسیدگی مشتمل بر خلاصه‌ای از ادعاهای طرفین و اقداماتی که به منظور احراز واقعیات و بررسی دلایل صورت گرفته است؛

دلایلی که رأی بر آنها مبتنی است مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند دلایل رأی ذکر نشود یا رأی سازشی باشد؛

تشخیص منجز داور نسبت به خواسته و موضوع اختلاف.

در صورتی که رأی داور مشخصات طرفین یا مشخصات داور یا تاریخ صدور نداشته باشد یا موضوع آن مشخص نباشد و مطابق مواد ۷۴، ۷۶، ۹۵ و ۹۶ قابل تصحیح یا رفع ابهام نباشد، رأی داوری محسوب نمی‌شود و قابل ترتیب اثر نیست. در این صورت به اصل دعوا در دادگاه رسیدگی می‌شود.

ماده ۷۲ - حدود اعتبار رأی داوری

رأی داوری فقط درباره طرفین دعوا و قائم مقام آنان معتبر است و نسبت به اشخاص دیگر تأثیر ندارد.

ماده ۷۳ - فراغ داور

رأی داور موجب فراغ داور درباره اختلاف مرجوع‌الیه است. این امر مانع تصحیح رأی و رفع ابهام از آن و صدور رأی تکمیلی مطابق مواد بعدی نیست.

ماده ۷۴ - رأی تصحیحی

هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی داور سهو قلم مانند از قلم افتادن یا زیاد شدن کلمه‌ای یا اشتباه در محاسبه رخ دهد، داور می‌تواند رأساً یا به تقاضای هر یک از طرفین آن را تصحیح کند. مهلت تقاضای طرفین سی روز از تاریخ ابلاغ رأی است و باید نسخه‌ای از تقاضای مزبور برای طرف دیگر ارسال شود و مهلت کافی برای ارائه توضیح به او داده شود. داور حداکثر ظرف سی روز از تاریخ وصول تقاضا و در مواردی که رأساً متوجه

اشتباه یا ابهام شده باشد، ظرف سی روز از تاریخ صدور رأی، نسبت به تصحیح آن اقدام می‌کند. تصحیح رأی توسط داور پس از انقضای مهلت‌های تعیین شده فقط به درخواست مشترک طرفین یا دادگاهی که موضوع رأی نزد آن مطرح باشد و در حدود مقررات امکان پذیر است.

ماده ۷۵- رأی تکمیلی

هر کدام از طرفین می‌تواند ضمن ارسال اظهاریه برای طرف دیگر، ظرف سی روز از تاریخ دریافت رأی، از داور تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که اقامه شده، ولی در رأی مسکوت مانده است رأی تکمیلی صادر کند. داور چنانچه این درخواست را موجه تشخیص دهد، مهلت کافی برای ارائه توضیح به طرف دیگر می‌دهد و ظرف سی روز از تاریخ تقاضا نسبت به صدور رأی تکمیلی اقدام می‌کند. داور می‌تواند در صورت لزوم مهلت مزبور را برای یک نوبت تمدید کند. پس از انقضای مهلت‌های مذکور، رسیدگی به ادعاهایی که در رأی داور مسکوت مانده است برابر مقررات در دادگاه به عمل می‌آید، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری تراضی نمایند.

ماده ۷۶- رأی تفسیری

داور می‌تواند بنا به تقاضای هر یک از طرفین از رأی رفع ابهام کند. مهلت تقاضای طرفین سی روز از تاریخ ابلاغ رأی است و باید نسخه‌ای از تقاضای مزبور برای طرف دیگر ارسال شود و مهلت کافی برای ارائه توضیح به او داده شود. داور حداکثر ظرف سی روز از تاریخ وصول تقاضا نسبت به تفسیر آن اقدام می‌کند. تفسیر رأی توسط داور پس از انقضای مهلت مذکور فقط به درخواست مشترک طرفین یا دادگاهی که موضوع رأی نزد آن مطرح باشد و در حدود مقررات امکان پذیر است.

ماده ۷۷- مقررات حاکم بر آرای تصحیحی و تکمیلی

مقررات مربوط به شکل، ابلاغ، اجرا و شکایت از رأی داور، نسبت به آرای تصحیحی و تکمیلی نیز اعمال می‌شود.

ماده ۷۸- خاتمه داور

۱- رسیدگی داور در موضوع اختلاف ارجاع شده به داور در موارد زیر خاتمه می‌یابد:

الف- صدور رأی داور؛

تراضی کتبی طرفین بر خاتمه رسیدگی از طریق داور؛

پ- استرداد دعوا توسط خواهان، مگر اینکه خوانده با ذکر ادله موجه به آن اعتراض نماید و «داور» برای وی نفع قانونی و موجهی در ادامه داوری احراز کند؛

عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی از طریق داوری به هر دلیل؛

انقضای مدت داوری؛

فوت یکی از طرفین، مگر در مواردی که موافقتنامه داوری نسبت به دیگران قابل تفکیک باشد؛

خاتمه داوری در یک دعوا مانع رسیدگی داور در سایر دعاوی مرتبط با موضوع موافقتنامه داوری از جمله دعاوی که به دلیل حدوث اسباب و جهات جدید یا به تجویز قانون تجدیدپذیرند نیست.

ماده ۷۹- نحوه ابلاغ رأی داوری

چنانچه طرفین طریق خاصی برای ابلاغ رأی داور پیش‌بینی نکرده باشند، داور و یا سرداور مکلف است رأی را به دفتر دادگاه صالح تسلیم کند. دفتر دادگاه اصل رأی را بایگانی نموده و رونوشت گواهی شده آن را به دستور دادگاه برابر مقررات برای اصحاب دعوا ارسال می‌دارد. درخواست ابلاغ رأی داور مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نیست.

ابلاغ رأی داور در داوری سازمانی توسط سازمان مربوط انجام می‌شود.

ماده ۸۰- تاریخ مؤثر ابلاغ

رأی داور به اصحاب دعوا ابلاغ می‌شود، مگر اینکه شخص اصیل ترتیب دیگری مقرر کرده باشد. در صورتی که ابلاغ رأی داور به چند طریق یا علاوه بر شخص اصیل به وکیل یا نماینده مقرر شده باشد، فقط ابلاغ با تاریخ مقدم معتبر و منشاء اثر شناخته می‌شود.

ماده ۸۱- الغای رأی

هرگاه طرفین، رأی داور را به اتفاق به طور کلی و یا قسمتی از آن را رد کنند، آن رأی در قسمت مردود بلااثر خواهد بود.

فصل نهم: شکایت از رأی داور

ماده ۸۲- قطعیت رأی

رأی داور قطعی است. قطعیت رأی مانع از آن نیست که هر یک از طرفین در موارد مصرح قانونی ابطال یا بطلان رأی داور را از دادگاه درخواست نماید. توافق طرفین مبنی بر غیر قابل اعتراض بودن رأی داور تا قبل از صدور رأی مانع شکایت از رأی داور نیست.

ماده ۸۳ - تجدیدنظرخواهی از رأی داور

در صورت توافق طرفین قبل یا بعد از صدور رأی، محکوم علیه می تواند ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی یا ظرف مدتی که توافق کرده اند نسبت به رأی داور نزد هیات داور دیگر که تعداد اعضای آن کمتر از سه نفر نباشد تجدیدنظرخواهی کند. هیات تجدیدنظر از حیث انتخاب، فرایند و مدت رسیدگی و کیفیت ابلاغ رأی تابع همان ضوابط و مقررات داور بدوی است. رأی بدوی با انقضای مدت مقرر و رأی هیات تجدیدنظر قطعی است و جز در موارد بطلان قابل شکایت در دادگاه نخواهد بود. رسیدگی به شکایت از رأی داور در موارد بطلان، حسب مورد تا انقضای مدت تجدیدنظرخواهی یا صدور رأی هیات تجدیدنظر متوقف می ماند. توافق بر تجدیدنظرخواهی پس از تقدیم دادخواست ابطال رأی داور به منزله استرداد دادخواست است.

ماده ۸۴ - بطلان رأی

رأی داور که در ایران صادر شده است اعم از داور داخلی یا بین المللی در موارد زیر باطل و غیرقابل استناد است:

مفاد رأی با قوانین آمره و نظم عمومی مغایر باشد؛

رأی داور در موضوعی صادر شده باشد که به موجب قانون قابل ارجاع به داور نیست؛

رأی توسط شخص یا اشخاص مشمول ممنوعیت ماده ۲۳ صادر شده باشد؛

در موارد مذکور ذینفع می تواند از دادگاه صالح، حکم به بطلان رأی داور را بخواهد؛

ماده ۸۵ - ابطال رأی

رأی داور که در ایران صادره شده باشد، اعم از داور داخلی یا بین المللی، در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین و با تقدیم دادخواست به دادگاه صالح قابل ابطال است:

۱- موافقت نامه داور به موجب قانون حاکم بر آن معتبر نباشد؛

۲- یکی از طرفین در زمان مراجعه به داور اهلیت اقامه دعوا نداشته باشد؛

۳- انتصاب داور یا ترکیب هیأت داورى مطابق موافقت‌نامه داورى یا قانون نباشد؛

۴- رای داور مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داورى باشد که جرح او توسط مرجع صالح پذیرفته شده است؛

۵- داور خارج از حدود اختیارات خود ناشی از موافقت‌نامه داورى رأی داده باشد.

۶- رأی داور در موضوعی صادر شده باشد که مورد درخواست نبوده است.

۷- رأی داور در مدت قانونی یا قراردادی صادر نشده و حسب مورد ابلاغ یا به مرجع صالح برای ابلاغ تسلیم نشده باشد؛

۸- رأی داور بر خلاف مفاد حکم قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی یا حکم قطعی صادرشده در دعاوی غیر قابل ارجاع به داورى باشد؛

۹- رای داور مستند به سندی باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم قطعی ثابت شده است.

۱۰- پس از صدور رای داور مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت معترض بوده و ثابت شود که آن مدارک به دلایل موجهی در اختیار وی نبوده یا آن را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها شده است؛

در هر یک از موارد فوق که قسمتی از رأی داورى به یکی از جهات فوق باطل باشد، فقط همان قسمت از رأی ابطال می‌گردد.

ماده ۸۶- مهلت درخواست ابطال

هر یک از طرفین می‌تواند ظرف بیست روز پس از ابلاغ رای داور اعم از رأی تصحیحی یا تکمیلی و در مورد بندهای ۸ و ۹ و ۱۰ ماده ۸۵ حسب مورد از تاریخ حکم قطعی یا از تاریخ وصول اسناد و مدارک یا اطلاع از وجود آن از دادگاه صالح، حکم به ابطال رأی داور را بخواهد. این مهلت برای اشخاصی که طبق مقررات آئین دادرسی مدنی دارای عذر موجه باشند پس از رفع عذر شروع می‌شود. در صورتی که دادخواست ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر باشد دادگاه قرار رد دادخواست را صادر می‌کند. این قرار وفق مقررات قابل تجدید نظر خواهی است.

ماده ۸۷- قرار توقف اجرا

درخواست ابطال یا بطلان رأی داور مانع اجرای آن نیست. مگر اینکه دادگاه به تقاضای خواهان ضمن دادخواست یا در هر مرحله از رسیدگی دلایل ابطال یا بطلان را قوی تشخیص دهد و در صورت اقتضاء با اخذ تأمین مناسب، قرار توقف اجرای رأی داور را تا صدور حکم قطعی صادر کند.

ماده ۸۸- هزینه دادرسی

دادخواست ابطال یا بطلان رأی داور از حیث هزینه دادرسی دعوای غیر مالی است.

ماده ۸۹- اعتراض شخص ثالث

۱- اگر در خصوص دعوایی رأی داور صادره شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در داور که منتهی به رأی شده است به عنوان اصحابدعوا دخالت نداشته باشد، می تواند به عنوان شخص ثالث در دادگاه صالح با ذکر خواسته اعتراض نماید مگر اینکه طرفین داور و شخص ثالث نسبت به ارجاع اعتراض به داور توافق کرده باشند که در این صورت به اعتراض ثالث در مرجع داور مطابق این قانون رسیدگی خواهد شد.

۲- رسیدگی به اعتراض ثالث در دادگاه تابع مقررات آئین دادرسی مدنی است. در صورتیکه اعتراض ثالث طاری باشد، دادگاهی که دعوا در آن مطرح است، دادگاه صالح محسوب می شود.

۳- اعتراض ثالث به رأی داور مانع اجرای آن نیست. مگر اینکه دادگاه به تقاضای خواهان ضمن دادخواست یا در هر مرحله از رسیدگی دلایل اعتراض را قوی بداند و در صورت اقتضاء با اخذ تأمین مناسب، قرار توقف اجرای رأی داور را تا صدور رأی قطعی صادر کند.

ماده ۹۰ - اعاده داور

در خصوص جهات مندرج در بندهای ۸ و ۹ و ۱۰ ماده ۸۵، ذینفع می تواند در مهلت مقرر به جای تقدیم دادخواست ابطال رأی داور به دادگاه، از داور تقاضای اعاده رسیدگی کند. در صورتی که دادخواست ابطال رأی داور به دادگاه تقدیم شده باشد، به درخواست اعاده داور نزد داور رسیدگی نخواهد شد.

در اعاده داور به جز آنچه در درخواست اعاده داور ذکر شده است، جهت دیگری مورد رسیدگی قرار نمی گیرد. هرگاه پس از رسیدگی، داور درخواست اعاده داور را وارد تشخیص دهد، رأی قبلی را نقض و رأی مقتضی صادر می کند. در صورتی که درخواست اعاده داور راجع به قسمتی از رأی باشد، فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می گردد.

داور باید در مدت داورى از تاريخ درخواست اعاده داورى، راي خود را صادر و حسب مورد به طرفين ابلاغ يا به مرجعى كه امر ابلاغ را به عهده دارد، تسليم نمايد. اينراى از حيث درخواست ابطال يا بطلان، تابع مقررات مربوط خواهد بود.

ماده ۹۱- رسيدگى به دعوای اصلی در دادگاه

در مواردی كه ارجاع امر به داورى از طريق دادگاه نبوده و راي داور به موجب حكم قطعى باطلگردد، رسيدگى به دعوای در دادگاه با تقديم دادخواست به عمل می آيد.

فصل دهم: اجرای راي

ماده ۹۲- قابليت اجرای راي

رأي داور مانند احكام دادگاهها نسبت به طرفين و قائم مقام قانونی آنها قابل اجرا است.

ماده ۹۳- درخواست اجرای راي

محكوم له رأي داور می تواند با اعلام اينكه محكوم عليه با انقضای مهلت بيست روز از تاريخ ابلاغ رأي از اجرای آن امتناع کرده است، با تقديم درخواست و پرداخت هزينه دادرسی معادل دعوای غير مالی، صدور برگ اجرائی و اجرای آن را از دادگاه صالح تقاضا کند.

ماده ۹۴- ترتيب اجرای راي

۱- ترتيب صدور اجرائيه و نحوه اجرای رأي داور و حقوق و تكاليف محكوم له و محكوم عليه داورى عيناً بر اساس ترتيبات قانونی ناظر بر اجرای احكام مدنی است. در مواردی كه رأي داور جنبه اعلام داشته باشد، به دستور دادگاه گواهی قطعی و لازم الاجرا بودن رأي داور توسط دفتر دادگاه صادر و به طرفين تسليم می شود.

۲- شناسائی و اجرای آرای داورى خارجى در مورد اختلافات ناشی از روابط قراردادی یا غير قراردادی تجاری كه در قلمرو دولتی ديگر و خارج از قلمرو جمهوری اسلامی ايران صادر شده است، براساس عمل متقابل یا با رعايت شرايط مقرر در معاهدات بين المللی لازم الاجرا انجام می شود. در مواردی كه عمل متقابل كشوری برای دادگاه محرز نباشد می تواند شروع كننده عمل متقابل باشد

ماده ۹۵- رد درخواست اجرای راي

چنانچه دادگاهی که از آن درخواست اجرای رأی داور شده است یکی از موارد بطلان رأی را احراز کند و قبلاً رأی قطعی در مورد آن جهت صادر نشده باشد، ضمن خودداری از اجرا، باید با ذکر جهات قانونی قرار رد درخواست مزبور را صادر و به طرفین ابلاغ کند.

در صورتی که تشخیص منجز داور نسبت به خواسته و موضوع اختلاف معلوم نباشد یا ابهام رأی به گونه‌ای باشد که رفع آن توسط دادگاه و داور امکان‌پذیر نباشد و موجب ممتنع شدن اجرای آن گردد، دادگاه قرار رد درخواست اجرا را صادر می‌کند.

قرار رد درخواست اجرا مطابق مقررات قابل تجدیدنظرخواهی است و پس از قطعیت در حکم اعلام بطلان رأی داور است و رسیدگی به دعوا در دادگاه با تقدیم دادخواست به عمل می‌آید.

ماده ۹۶ - رفع اشکال

هرگاه در جریان اجرای رأی داور اشکالی پیش آید دادگاهی که رأی زیر نظر آن اجرا می‌شود رفع اشکال می‌کند. در صورتی که اشکال ناشی از سهو قلم یا ابهام رأی یا محکوم‌به باشد، دادگاه به داور ابلاغ می‌کند ظرف ۳۰ روز نسبت به صدور رأی تصحیحی یا تفسیری برابر مواد ۷۴ و ۷۶ اقدام کند. در این صورت اجرای رأی در قسمتی که با اشکال مواجه شده است تا صدور رأی تصحیحی یا تفسیری متوقف می‌ماند. در صورتی که به هر دلیل صدور رأی توسط داور امکان‌پذیر نباشد، دادگاه پس از اخذ توضیح از طرفین رأساً حسب مورد رأی را تصحیح یا از آن رفع ابهام می‌کند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

ماده ۹۷ - رفع اختلاف در مفاد رأی داور یا اجرای آن

در صورت حدوث اختلاف در مفاد رأی داور یا اختلافات مربوط به اجرای آن، هر یک از طرفین می‌تواند با تقدیم درخواست و پرداخت هزینه دادرسی معادل دعوای غیر مالی، تا قبل از صدور برگ اجرائی، از دادگاه صالح و پس از آن از دادگاهی که اجرائیه صادر کرده است، رفع اختلاف را بخواهد. دادگاه در وقت فوق‌العاده رسیدگی و رفع اختلاف می‌کند و در صورت اقتضا، رونوشت درخواست را به طرف مقابل ابلاغ و طرفین را به جلسه خارج از نوبت دعوت می‌کند. عدم حضور طرفین مانع رسیدگی نیست. در صورتی که اختلاف ناشی از ابهام رأی یا محکوم‌به باشد دادگاه حسب مورد پس از اخذ توضیح از طرفین و داور یا سازمان داوری ذیربط و در صورتی که به داور دسترسی نباشد ضمن رفع ابهام از رأی یا محکوم‌به رفع اختلاف می‌کند و این رأی قطعی است. درخواست رفع اختلاف در مفاد رأی داور موجب تأخیر اجرای آن نخواهد شد مگر این که دادگاه با توجه به اهمیت موضوع به تقاضای ذینفع قرار تأخیر اجرای رأی را صادر نماید.

هرگاه رأی داور پس از اجرا ابطال شود، چنانچه اجرای رأی توسط اجرای احکام دادگاه صورت گرفته باشد، اعاده وضع بر اساس مقررات اجرای احکام دادگاه‌ها انجام می‌پذیرد و در سایر موارد نیازمند تقدیم دادخواست است. رسیدگی به این دعوا خارج از نوبت انجام می‌شود.

فصل یازدهم: مقررات تکمیلی داوری بین‌المللی

چنانچه تابعیت طرفین یکسان نباشد داور واحد یا سرداور باید از اتباع کشور ثالث انتخاب شود و داور طرف ممتنع از بین اتباع کشور مقابل انتخاب نمی‌شود و در تعیین هیأت داوران، دو داور از بین اتباع کشور متبوع یکی از طرفهای داوری منصوب نخواهد شد، مگر آن که مقام ناصب با در نظر گرفتن اوضاع و احوال با ذکر جهت ترتیب دیگری را مناسب تشخیص دهد یا طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

چنانچه محل ابلاغ مخاطب خارج از ایران باشد و در آن محل آخرین روز موعد تعطیل رسمی یا روز غیر کاری باشد موعد تا نخستین روز کاری بعد ادامه می‌یابد.

مراد از نظم عمومی در داوری بین‌المللی، نظم عمومی بین‌المللی است.

مدت داوری بین‌المللی در هر دعوا که با توافق طرفین تعیین نشده باشد هشت ماه است. در صورتی که طرفین تمدید مدت داوری را منع نکرده باشند، داور در صورت لزوم می‌تواند مدت داوری را حداکثر برای سه ماه تمدید کند مشروط به اینکه قبل از انقضای مدت داوری تصمیم خود را با ذکر دلیل به طرفین ابلاغ کند.

در هر مورد که برای طرفین یا داور یا سازمان داوری یا مقام ناصب برای اقدام یا انجام عملی در این قانون مهلت تعیین شده است، در داوری‌های بین‌المللی و همچنین نسبت به شخص مقیم در خارج از ایران در داوری‌های داخلی، دو برابر مهلت مقرر محاسبه می‌گردد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

طرفین می‌توانند در مورد زبان یا زبان‌های مورد استفاده در داوری بین‌المللی توافق کنند. در صورت سکوت یا عدم توافق، داور یا سرداور حسب مورد زبان یا زبانهای مورد استفاده در رسیدگی را تعیین می‌کند.

ماده ۱۰۵- قانون حاکم بر موافقت‌نامه داوری

اعتبار موافقت‌نامه داوری تابع قانون محل انعقاد آن است مگر اینکه طرفین صریحاً یا ضمناً آن را تابع قانون دیگری قرار داده باشند. چنانچه مفاد موافقت‌نامه مزبور مخالف با قواعد آمره یا نظم عمومی ایران باشد، قابل ترتیب اثر نیست.

ماده ۱۰۶- قانون حاکم بر ماهیت دعوا

در داوری‌های بین‌المللی قانون حاکم بر ماهیت دعوا بر اساس قواعد زیر تعیین می‌شود:

داور بر حسب قواعد حقوقی که طرفین در مورد ماهیت اختلاف برگزیده‌اند، اتخاذ تصمیم خواهد کرد. تعیین قانون یا سیستم حقوقی یک کشور، به عنوان ارجاع به قوانین ماهوی آن کشور تلقی می‌شود. قواعد حل تعارض مشمول این حکم نخواهد بود، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

در صورت عدم تعیین قانون حاکم از جانب طرفین، داور بر اساس قواعد حل تعارضی که مناسب تشخیص دهد، قانون حاکم بر ماهیت اختلاف را تعیین و اعمال می‌کند.

داور باید در کلیه موارد شرایط قرارداد و عرف بازرگانی مربوط را مورد نظر قرار دهد.

فصل دوازدهم: هزینه‌های داوری

ماده ۱۰۷- مصادیق هزینه‌های داوری

هزینه‌های داوری شامل حق الزحمه داور، هزینه اداری، هزینه کارشناسی، حق‌الوکاله وکیل بر اساس تعرفه‌های قانونی و سایر هزینه‌های ضروری که به طور مستقیم مربوط به داوری است.

ماده ۱۰۸- میزان حق الزحمه داور

میزان و نحوه پرداخت حق الزحمه داور مطابق آئین نامه مصوب رئیس قوه قضائیه تعیین می شود مگر اینکه طرفین اختلاف و داور به نحو دیگری توافق کرده باشند.

در داوری های سازمانی، حق الزحمه داور به موجب آئین نامه ای که به تصویب ارکان همان سازمان می رسد تعیین می شود و توافق طرفین بر ارجاع اختلاف به سازمان داوری، به منزله التزام و قبول تعرفه های مصوب آن سازمان است.

حق الزحمه داور در دعاوی که به سازش ختم می شود یا در صورتی که موافقت نامه داوری با توافق طرفین در اثنای رسیدگی زائل شود، یا به دلایلی از قبیل فوت داور یا استرداد دعوا ادامه رسیدگی داور ممتنع یا قبل از صدور رأی خاتمه یابد، حسب مورد بر اساس میزان کار انجام شده توسط داور و در صورت اختلاف توسط دادگاه صالح یا مقام ناصب تعیین می شود، مگر آنکه طرفین و داور یا قائم مقام او به نحو دیگری تراضی کنند.

ماده ۱۰۹- هزینه اداری

هزینه اداری در داوری سازمانی به موجب مقررات همان سازمان تعیین می شود.

در داوری های موردی هزینه اداری تعلق نمی گیرد، لیکن داور می تواند هزینه های مستقیم مربوط به رسیدگی از قبیل ایاب و ذهاب، تامین محل مناسب برای جلسات رسیدگی یا تهیه رونوشت از اسناد و ارتباطات از راه دور را مطالبه کند.

ماده ۱۱۰- مبنای محاسبه حق الزحمه

در صورتی که طرفین و داور به نحو دیگری توافق نکرده باشند، حق الزحمه داور و هزینه اداری بر مبنای قواعد زیر تعیین می گردد:

در مواردی که خواسته وجه رایج باشد بر مبنای مبلغ خواسته؛

چنانچه خواسته غیر از وجه رایج باشد، بر مبنای ارزش خواسته در روز تقدیم درخواست داوری. در صورت اختلاف طرفین و داور در مورد ارزش خواسته، حسب مورد توسط دادگاه صالح یا مقام ناصب و در صورت لزوم با جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری ارزش خواسته تقویم می گردد؛

در مواردی که خواسته غیر مالی باشد یا خواسته قابل تقویم نباشد، توسط داور یا سازمان داوری متناسب با حجم کار و پیچیدگی موضوع مبلغ حق الزحمه داور و هزینه اداری تعیین می شود. در داوری موردی چنانچه

ذینفع به تصمیم داور معترض باشد حسب مورد موضوع توسط مقام ناصب یا دادگاه صالح حل و فصل خواهد شد. رسیدگی به اعتراض بدون پرداخت هزینه دادرسی در دادگاه خارج از نوبت و در صورت لزوم با حضور طرفین انجام می‌شود. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

پنج درصد از حق الزحمه دآوری به عنوان سهم کانون از طریق سامانه مخصوص این کار به حساب کانون دآوری استان و مابقی پس از کسر و واریز مالیات به حساب معرفی شده از سوی داور یا نهاد دآوری پرداخت می‌گردد.

ماده ۱۱۱- تقسیم حق الزحمه داوران

در صورت تعدد داور، حق الزحمه دآوری ابتدا ده درصد سهم اختصاصی سرداور و الباقی به نسبت مساوی بین همه داوران تقسیم می‌شود. دآوری که از مشارکت در رسیدگی یا صدور رأی استنکاف کند از حق الزحمه سهمی نخواهد داشت و سهم وی به صورت مساوی بین سایر داوران تقسیم می‌شود. صدور رأی مخالف از سوی داور اقلیت یا غیبت جزئی او در رسیدگی، مانع از استحقاق او نسبت به حق الزحمه نیست.

ماده ۱۱۲- پرداخت حق الزحمه داور

جز در مواردیکه طرفین به خود دیگری توافق کرده باشند، پرداخت حق الزحمه داور ابتدا به عهده خواهان است. در صورتی که خواهانها متعدد باشند و سهم هر یک معلوم نباشد، اصل بر تسهیم پرداخت حق الزحمه به تساوی است. داور یا سازمان دآوری می‌تواند متناسب با وضعیت مالی مسئول پرداخت حق الزحمه داور مهلت مناسبی برای پرداخت حق الزحمه داور تعیین کند.

داور می‌تواند با درخواست هریک از اصحاب دعوا، ضمن صدور رأی در خصوص هزینه‌های دآوری تعیین تکلیف کند، مشروط بر اینکه این تقاضا کتباً و تا قبل از اعلام ختم رسیدگی تسلیم شده باشد.

پرداخت هزینه‌های دآوری بر عهده طرف ناموفق است. با این حال داور می‌تواند چنین هزینه‌هایی را بین طرفین تسهیم کند مشروط بر اینکه با در نظر گرفتن اوضاع و احوال تسهیم را معقول تشخیص دهد.

ماده ۱۱۳- توقف درخواست رسیدگی

چنانچه خواهان از پرداخت حق الزحمه داور و هزینه‌ی اداری پس از ابلاغ در مهلت مقرر امتناع ورزد، داور یا سازمان دآوری حسب مورد می‌تواند درخواست رسیدگی را تا پرداخت کامل متوقف یا پس از مدت معینی خاتمه آن را اعلام کند. مدت توقف جزء مدت دآوری محاسبه نمی‌شود. عدم پرداخت هزینه‌های مزبور مانع طرح مجدد همان دعوا نزد داور نیست.

فصل سیزدهم: مسئولیت داور و سازمان داوری

ماده ۱۱۴- تکلیف به انجام داوری و ارائه خدمات

داور پس از قبول داوری، ملزم به انجام آن است و بدون عذر موجه حق کناره‌گیری ندارد.

سازمان داوری نیز مکلف است نسبت به انجام تکالیفی که به عهده آن است اقدام کند و نمی‌تواند بدون عذر موجه از ارائه خدمات داوری خودداری کند.

ماده ۱۱۵- جبران خسارت

اگر داور بدون عذر موجه از صدور و یا ابلاغ رأی امتناع کند یا در اثر تدلیس، تقلب یا تقصیر در انجام وظیفه خسارت مادی یا معنوی متوجه یک طرف یا طرفین گردد، بر اساس میزان و نحوه مداخله در حدوث خسارت، علاوه بر جبران خسارت وارده به ذینفع به محرومیت از داوری تا ۵ سال محکوم می‌شود.

فصل چهاردهم: سازمان داوری

ماده ۱۱۶- تشکیل سازمان داوری

سازمان داوری به یکی از روش‌های زیر تشکیل می‌شود:

به موجب قانون؛

توسط هر نهاد یا سازمانی که به موجب قانون اختیار یا وظیفه حل و فصل اختلافات را داشته باشد،

توسط اتحادیه‌های صنفی استانی موضوع قانون نظام صنفی؛

توسط مؤسسات خصوصی حرفه‌ای عهده‌دار خدمات عمومی.

توسط دانشگاه‌ها و مراکز علمی، آموزشی و پژوهشی.

ماده ۱۱۷- فعالیت سازمان داوری

۱- شروع فعالیت سازمان داوری منوط به داشتن اساسنامه مصوب و قواعد و آئین داوری و ثبت آن در مرجع ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری است. شرایط، ارکان و نحوه فعالیت سازمان تابع مقررات اساسنامه است.

تشکیل سازمان داوری توسط نهادهای موضوع بندهای ۲ تا ۵ ماده قبل منوط به اخذ مجوز از مرکز مطابق مقررات این قانون است.

۲- سازمان داوری خدمات خود را بر اساس مفاد این قانون و مقررات سازمان از طریق هماهنگی، سازماندهی، نظارت و مدیریت جریان داوری انجام می‌دهد، بدون آنکه خود مباشرت به داوری کند.

فصل پانزدهم سازمان‌دهی حوزه داوری

ماده ۱۱۸- وظایف و اختیارات مرکز حل اختلاف

سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اعطای مجوز، ساماندهی، نظارت، رتبه‌بندی و رسیدگی به تخلفات در حوزه داوری بر عهده مرکز حل اختلاف است. این مرکز می‌تواند بخشی از وظایف خود را به کانون‌های داوری واگذار کند.

ماده ۱۱۹- شورای ملی داوری

به منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان توسعه داوری در کشور، شورای ملی داوری در مرکز حل اختلاف با اعضای زیر تشکیل می‌شود:

رییس مرکز (رییس شورا)؛

روسای مراکز داوری که به موجب قانون ایجاد شده اند و روسای سازمان‌های داوری ؛

یکی از روسای کانون‌های داوری سراسر کشور و دو نفر از داوران ممتاز به انتخاب آنها؛

یکی از حقوق‌دانان یا استادان حوزه یا دانشگاه به انتخاب وزیر دادگستری؛

ماده ۱۲۰- کانون داوری استان و تکالیف آن

کانون داوری نهادی غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل است که با مجوز مرکز در استان‌ها تشکیل می‌شود و عهده دار وظایف زیر است:

ترویج فرهنگ سازش و حل و فصل اختلافات از طریق داوری؛

تلاش در جهت ارتقای دانش علمی و عملی در امور حقوقی و داوری از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی و بازآموزی حرفه‌ای، همایشهای تخصصی و انتشار نشریات علمی؛

تلاش در جهت کاهش هزینه‌های داوری؛

اظهار نظر مشورتی در تهیه و تدوین لوایح، طرحها، تصویب نامه‌ها و آئین‌نامه‌های مرتبط با امور داوری و تعرفه آن به مرکز؛

ارائه نظر مشورتی به داوران و نهادهای داوری؛

تلاش در جهت ارتقاء سلامت نظام داوری و حفظ جایگاه و شأن داوران و نهادهای داوری و حمایت از حقوق صنفی و حرفه‌ای؛

نظارت بر عملکرد نهادهای داوری و رسیدگی به شکایات؛

رسیدگی انتظامی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای داوران و نهادهای داوری از طریق تشکیل دادسرا و دادگاه انتظامی بدوی؛

کمک به رفع مشکلات رفاهی و مالی داوران و کارکنان اداری نهادهای داوری از طریق تشکیل صندوق رفاه و تعاون؛

انجام اقدامات مقتضی به منظور تعمیم و گسترش خدمات بیمه درمانی برای داوران و کارکنان اداری نهادهای داوری و افراد تحت تکفل و ایجاد بستری مناسب جهت برخورداری از مزایای بیمه مسئولیت مدنی داوران و نهادهای داوری؛

دریافت سهم کانون از درآمدهای داوری و مصرف آن در راستای انجام وظایف؛

سایر اموری که از سوی مرکز تفویض می گردد.

ماده ۱۲۱- ارکان کانون

ارکان کانون داوری از قرار زیر می‌باشد:

مجمع عمومی؛

هیأت مدیره؛

مدیر عامل؛

ماده ۱۲۲ - مجمع عمومی

مجمع عمومی از کلیه داوران حرفه‌ای استان و مدیران نهادهای داوری به اعتبار شخصیت حقوقی آنها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل جلسات و وظایف و اختیارات مجمع عمومی به موجب آیین نامه موضوع ماده ۱۲۸ این قانون خواهد بود.

ماده ۱۲۳ - هیأت مدیره کانون داوری

هیأت مدیره متشکل از اعضای زیر است که برای مدت ۳ سال تعیین می‌شوند:

دو نفر از داوران ممتاز و یا درجه یک استان به انتخاب مجمع عمومی؛

دو نفر از مدیران مسئول مؤسسات داوری استان به انتخاب آنها؛

نماینده مراکز داوری که به موجب قانون ایجاد شده اند و نماینده سازمان‌های داوری فعال در استان؛

نماینده رئیس کل دادگستری استان به عنوان ناظر.

تبصره ۱- اعضای هیأت مدیره در نخستین جلسه خود با رأی اکثریت رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل را انتخاب می‌کنند.

تبصره ۲- تصمیمات هیأت مدیره درباره اموری که از مرکز به کانون داوری تفویض گردیده و همچنین درباره تعیین مدیرعامل، پس از تأیید نماینده رئیس کل دادگستری استان اجرا می‌گردد.

ماده ۱۲۴ - نحوه انتخاب و وظایف مدیرعامل

هیأت مدیره در نخستین جلسه خود یکی از داوران ممتاز یا درجه یک را به عنوان مدیرعامل انتخاب و حدود وظایف و اختیارات، مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین می‌نماید.

ماده ۱۲۵ - ممنوعیت مدیران در معاملات کانون

ممنوعیت اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل درباره معاملات با کانون، بر طبق مقررات قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ ناظر به شرکت‌های سهامی عام است.

فصل شانزدهم: داوری حرفه‌ای

ماده ۱۲۶ - پروانه داوری حرفه‌ای

قوه قضائیه (مرکز توسعه حل اختلاف) برای اشخاص متقاضی اشتغال به داوری حرفه‌ای که واجد شرایط مندرج در آئین‌نامه موضوع ماده ۱۲۸ باشند، پس از موفقیت در دوره‌ی آموزشی تخصصی داوری، پروانه اشتغال داوری حرفه‌ای صادر می‌کند. این امر مانع از توافق طرفین برای مراجعه به افراد واجد شرایط کلی داوری نیست.

ماده ۱۲۷ - ساماندهی و نظارت بر داوران حرفه‌ای

ضوابط مربوط به فرایند جذب، آموزش، کارآموزی، صدور و ابطال پروانه، تأسیس دفتر و شرایط اشتغال به داوری حرفه‌ای، نظارت، رتبه‌بندی، تعیین حق‌الزحمه، تشکیل کانون داوران حرفه‌ای و نحوه رسیدگی به تخلفات و سایر امور مربوط به داوران حرفه‌ای به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب رییس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۱۲۸ تشکیل موسسات داوری حرفه‌ای

موسسات داوری حرفه‌ای با مشارکت حداقل سه نفر از دارندگان پروانه داوری حرفه‌ای پس از اخذ مجوز از قوه قضائیه (مرکز توسعه حل اختلاف) و ثبت در دفتر ثبت شرکتها وفق مقررات ثبت موسسات غیر تجاری تأسیس می‌شود. اعضای هیات داوران موسسه فقط از بین داوران دارای پروانه داوری حرفه‌ای انتخاب می‌شوند. ضوابط مربوط به فرایند صدور مجوز و نحوه فعالیت موسسات داوری حرفه‌ای و نحوه نظارت بر آنها و چگونگی عضویت در کانون‌های داوری و سایر امور مربوط به موسسات داوری حرفه‌ای به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب رییس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۱۲۹ - رتبه‌بندی داوران

داوران در چهار سطح ممتاز، درجه یک، درجه دو و درجه سه رتبه‌بندی می‌شوند و صلاحیت هر یک به شرح زیر است، مگر این که طرفین آنها را علی رغم فقدان رتبه لازم، به عنوان داور انتخاب نمایند:

داوران ممتاز و درجه یک در کلیه دعاوی داخلی و بین‌المللی؛

داوران درجه دو در کلیه دعاوی داخلی؛

داوران درجه ۳ در کلیه دعاوی داخلی در محدوده استان.

ماده ۱۳۰- ارتقای رتبه

رتبه بندی داوران و نهادهای داوری در زمان صدور پروانه و هر سه سال یک بار در زمان تمدید آن بر اساس شاخص‌های ناظر به صلاحیت‌های عمومی و حرفه‌ای به ویژه میزان اتقان آرا و متوسط زمان رسیدگی، وضعیت تخلفات، میزان رضایت مراجعان از آنها صورت می‌گیرد.

ماده ۱۳۱ -تطبیق مؤسسه‌های داوری با مقررات این قانون

مؤسسات داوری و تشکل‌های مردم نهاد موجود که موضوع فعالیت آن‌ها داوری است به استثنای مراکز موضوع بند یک ماده ۱۱۶ این قانون، مکلفند ظرف یک سال از تاریخ ابلاغ آن نسبت به تطبیق خود با استانداردهای این قانون اقدام نمایند، در غیر این صورت به عنوان نهاد داوری مصداق این قانون شناخته نخواهند شد.

ماده ۱۳۲ - مجازات داوری سازمانی بدون پروانه

اشخاصی که بدون اخذ پروانه از مرکز به کار داوری سازمانی بپردازند، علاوه بر انحلال مؤسسه یا تعطیلی محل کار و ضبط درآمدهای ناشی از داوری غیرقانونی به جزای نقدی و محرومیت اجتماعی درجه پنج محکوم می‌شوند.

فصل هفدهم- دادگاه و دادرسی انتظامی

ماده ۱۳۳ - تشکیلات انتظامی داوری

به منظور نظارت و ارزیابی عملکرد و رفتار داوران و نهادهای داوری، پیشنهاد تشویق و رسیدگی به تخلفات انتظامی و صلاحیت آنان، دادرای انتظامی داوری، دادگاه‌های بدوی و تجدید نظر و دادگاه عالی صلاحیت تشکیل می‌شود. دادگاه عالی صلاحیت و دادگاه تجدید نظر در مرکز و دادگاه بدوی و دادرای انتظامی داوری در کانون‌های استانی تشکیل می‌شوند. مرکز می‌تواند در صورت نیاز دادگاه تجدید نظر را در استان‌ها تشکیل دهد.

دادسرا و دادگاه انتظامی داوران در مورد سازمان‌های داوری توسط خود سازمان بر طبق مقررات اساسنامه ایجاد می‌شود اما نوع تخلفات و مجازات‌ها و میزان آن بر اساس مقررات این قانون خواهد بود. دادگاه تجدیدنظر انتظامی و دادگاه عالی صلاحیت مستقر در مرکز درباره سازمان‌های داوری نیز اقدام خواهند نمود.

ماده ۱۳۴- دادرای انتظامی

دادرای انتظامی داوران و نهادهای داوری به ریاست دادستان و به تعداد مورد نیاز دادیار تشکیل می‌شود. دادستان و دادیاران انتظامی از میان داوران ممتاز یا درجه یک که در پنج سال اخیر محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر نداشته باشند توسط اعضای کانون استان همزمان با انتخابات آن تعیین می‌شوند. وظایف دادستان انتظامی به شرح زیر است:

نظارت بر عملکرد و ارزشیابی داوران و نهادهای داوری؛

تحقیق در رفتار منافی با شأن حرفه‌ای؛

پیشنهاد تشویق یا تعلیق؛

تحقیق و کشف تخلفات انتظامی داوران و نهادهای داوری و تعقیب انتظامی آنان؛

نظارت بر عملکرد دادیاران انتظامی.

ماده ۱۳۵- جهات شروع به تعقیب انتظامی

جهات شروع به تعقیب انتظامی عبارتند از:

اطلاع دادستان انتظامی؛

شکایت ذی نفع یا نماینده قانونی وی؛

گزارش مراجع قضایی؛

گزارش هیأت‌های بازرسی؛

گزارش رئیس کانون استان.

ماده ۱۳۶- دادگاه انتظامی

دادگاه بدوی انتظامی جهت رسیدگی به تخلفات انتظامی داوران و نهادهای داوری با حضور رئیس و دو عضو تشکیل می‌شود. رئیس دادگاه از میان قضات دارای پایه ۷ قضایی و یا بالاتر با حکم رئیس قوه قضاییه و یک عضو به انتخاب رئیس کل دادگستری استان و عضو دیگر به انتخاب اعضای کانون استانی تعیین می‌شوند. اعضای دادگاه باید از میان داوران ممتاز یا درجه یک انتخاب شوند.

ماده ۱۳۷- دادگاه تجدیدنظر انتظامی

دادگاه تجدیدنظر انتظامی جهت رسیدگی به اعتراض نسبت به آرای صادره از دادگاه‌های بدوی انتظامی، با حضور رئیس و دو عضو تشکیل می‌شود. رئیس دادگاه از میان قضات دارای پایه ۹ قضایی و یا بالاتر با حکم رئیس قوه قضاییه و یک عضو به انتخاب رئیس مرکز و عضو دیگر به انتخاب ریسان کانون‌های استانی تعیین می‌شوند. اعضای دادگاه باید از میان داوران ممتاز یا درجه یک انتخاب شوند که در پنج سال اخیر محکومیت انتظامی درجه ۳ و بالاتر نداشته باشند.

ماده ۱۳۸- رسمیت جلسات و نحوه صدور آرا

جلسات رسیدگی و تصمیم‌گیری در دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر انتظامی با حضور رئیس و دست کم یکی از اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات با رأی اکثریت اتخاذ می‌شود. انشای رأی با قاضی است.

ماده ۱۳۹- اعتراض به آرای انتظامی و مهلت آن

آرای صادره از دادگاه‌های بدوی انتظامی ظرف مدت بیست روز از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر انتظامی می‌باشد.

ماده ۱۴۰- دادگاه عالی صلاحیت

دادگاه عالی صلاحیت متشکل از رییس مرکز یا یکی از معاونان وی، یک قاضی دادگاه عالی انتظامی قضات با حکم رییس قوه قضاییه، یکی از داوران ممتاز (که در ده سال اخیر محکومیت انتظامی درجه ۳ و بالاتر نداشته باشد) به پیشنهاد رییس مرکز و حکم رییس قوه قضاییه است و به صلاحیت داوران یا نهادهای داوری که شایستگی آنان از سوی رییس مرکز یا رییس دادگاه تجدید نظر انتظامی مورد تردید قرار گرفته است، رسیدگی و به حسب مورد نسبت به تعلیق یا سلب صلاحیت و یا حکم برائت اتخاذ تصمیم می‌کند. در موارد فوری با اعلام رییس کل دادگستری استان، دادستان انتظامی داوری و تأیید رییس مرکز، دادگاه عالی صلاحیت به صورت فوق‌العاده تشکیل می‌شود.

ماده ۱۴۱- تخلفات مقامات انتظامی

به تخلفات انتظامی کلیه ریيسان شعب دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر انتظامی داوران موضوع ماده ۱۴۴ این قانون در دادرسی و دادگاه انتظامی قضات و به تخلفات سایر اعضای دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر انتظامی در دادگاه عالی صلاحیت رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۴۲- مرور زمان انتظامی

مدت مرور زمان تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف یا آخرین اقدام تعقیبی در تخلفات سبک یک سال در تخلفات نیمه سنگین دو سال و در تخلفات سنگین سه سال است.

ماده ۱۴۳- تخلفات انتظامی داوران و نهادهای داوری

تخلفات انتظامی داوران و نهادهای داوری از قرار زیر می‌باشد:

الف- تخلفات سبک: مستوجب مجازات‌های انتظامی درجه ۱ و ۲

عدم امضا و عدم درج مشخصات ذیل صورت‌مجلس‌ها و آرای داوری؛

شرکت نکردن در جلسات داوری بدون عذر موجه؛

اهمال در انجام وظایف محوله؛

اعمال نظر ماهوی قبل از صدور رأی؛

عدم رعایت مقررات شکلی داوری؛

شروع به داوری بدون وجود شرط داوری یا بدون ارجاع به وی؛

صدور تصمیمات و قرارهای غیر مستدل که منجر به اطاله فرایند داوری گردد؛

سهل انگاری و بی توجهی در مورد تکالیف صنفی و حرفه‌ای نسبت به نهاد یا کانون داوری؛

ب- تخلفات نیمه سنگین : مستوجب مجازات‌های انتظامی درجه ۳ و ۴

ارتکاب جرایم عمدی مستوجب مجازات‌های تعزیری درجات ۷ و ۸ غیر مرتبط با حرفه داوری؛

صدور آرای غیر مستند و غیر مستدل؛

صدور رأی بدون وجود شرط داوری یا بدون ارجاع به وی؛

عدم تعیین تکلیف درباره برخی از خواسته‌ها در رأی؛

عدم حضور در بیش از سه جلسه داوری در یک ماه بدون عذر موجه؛

تاخیر غیر موجه در صدور تصمیمات و آرا؛

رعایت نکردن مقررات مربوط به صلاحیت با توجه به رتبه داوری و همچنین پنهان نمودن شرایط رد دادرس در زمان پذیرش داوری؛

انجام رفتاری که مصداق توهین یا بی حرمتی نسبت به اصحاب پرونده داوری یا تحقیر آنها محسوب گردد؛

رفتار خارج از شئون حرفه‌ای در هنگام داوری یا مرتبط با آن؛

خودداری از پذیرش لوایح طرفین و ضبط آن در پرونده یا عدم پذیرش گواهی در موارد مرتبط با موضوع داوری؛

ارتکاب بیش از سه تخلف انتظامی سبک طی یک سال؛

انجام فعالیت‌های خارج از موضوع نهاد داوری؛

تمرکز فعالیت نهاد داوری در خارج از حوزه فعالیت بر اساس مجوز صادره؛

واگذاری رسمی یا عملی مؤسسه به غیر؛

پ- تخلفات سنگین : مستوجب مجازات‌های انتظامی درجه ۵ تا ۸

خروج از بی طرفی در اتخاذ تصمیمات و آرای داور؛

معدوم کردن یا خارج کردن لوایح و مستندات طرفین از پرونده؛

دریافت وجه یا مال یا هدیه تحت هر عنوان از طرفین پرونده یا به مناسبت آن؛

دریافت وجه یا مال به عنوان حق الزحمه داور بیش از حق الزحمه قانونی و یا خارج از فرایند رسمی آن؛

افشای غیر قانونی اسرار و اطلاعات محرمانه طرفین؛

عدم رعایت تکلیف افشای موارد ممنوعیت داور؛

صدور گزارش خلاف واقع در مورد فرایند و نتیجه داور خطاب به هریک از مراجع و نهادها و یا به طور کلی؛

انجام هر نوع استعمال بدون وجود داور یا غیر مرتبط با آن به قصد هر نوع استفاده غیرمجاز یا ورود به حریم شخصی و اطلاعات دیگران؛

گزارش خلاف واقع و مغرضانه علیه سایر داوران یا نهادهای داور؛

اعمال رقابت غیرمنصفانه یا مکارانه؛

ارتکاب جرایم عمدی مستوجب مجازات‌های تعزیری درجه ۶ و بالاتر به طور کلی یا جرایم درجات ۷ و ۸ مرتبط با حرفه داور؛

ارتکاب جرایم عمدی مستوجب حد، دیه یا قصاص؛

ادامه فعالیت نهاد داور بدون تمدید پروانه؛

محکومیت قطعی کیفری نهاد داور در جرایم عمدی.

ماده ۱۴۴- انواع مجازات‌های انتظامی

هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر در صورت احراز تخلف، حسب مورد یکی از مجازات‌های انتظامی زیر را برای داور یا داوران متخلف تعیین می نمایند.

درجه ۱- توبیخ بدون درج در پرونده انتظامی دآوری؛

درجه ۲- توبیخ با درج در پرونده انتظامی؛

درجه ۳- تنزل رتبه دآوری به میزان ۱ درجه؛

درجه ۴- محرومیت از عضویت در کانون‌های دآوری و نهادهای پیرامون آن شامل هیأت بازرسی و حسابرسی

درجه ۵- تنزل رتبه دآوری به میزان ۲ درجه؛

درجه ۶- محرومیت یا تعلیق فعالیت نهاد دآوری از دآوری از سه ماه تا یک سال؛

درجه ۷- محرومیت از دآوری یا تعلیق فعالیت نهاد دآوری از یک سال تا ۵ سال؛

درجه ۸- انحلال نهاد دآوری، لغو پروانه و محرومیت دایم از دآوری و ثبت و تأسیس مؤسسات دآوری و میانجی‌گری؛

تبصره- در صورت صدور حکم قطعی مبنی بر ارتکاب تخلفات سبک (مستوجب مجازات‌های انتظامی درجات ۱ و ۲)، ارتقای رتبه داوران به مدت یک سال، در مورد تخلفات نیمه سنگین (مستوجب مجازات‌های درجه ۳ و ۴) به مدت ۲ سال و درباره تخلفات سنگین به مدت ۳ سال به تأخیر خواهد افتاد.

فصل هیجدهم - سایر مقررات

ماده ۱۴۵ - ایجاد سامانه جامع و هوشمند

در راستای استفاده از فناوری‌های هوشمند و یکپارچه، توسعه دآوری الکترونیک، تسهیل دسترسی مردم از طریق فناوری، شفافیت در فرایند دآوری، حذف مداخلات انسانی در موارد ممکن، تسهیل و تقویت بازرسی و ارزیابی و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، سامانه جامع، یکپارچه و هوشمند دآوری توسط مرکز آمار و فناوری اطلاعات با همکاری مرکز حل اختلاف و کانون‌های دآوری ظرف ۶ ماه از لازم الاجرا شدن این قانون ایجاد می‌گردد.

ماده ۱۴۶- رعایت قانون توسط مراجع دآوری خاص

مراجعی که به موجب قوانین و مقررات خاص به عنوان داور به منازعه و اختلاف رسیدگی می‌کنند، در مواردی که قانون مربوط ساکت است ملزم به رعایت مقررات این قانون هستند.

ماده ۱۴۷- نسخ قوانین مغایر

از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، باب هفتم قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، قانون داورى تجارى بين‌المللى مصوب ۱۳۷۶، مواد ۱۰، ۲۸ و ۲۹ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶، ماده ۲۰ قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹ و دیگر مقررات مغایر با این قانون نسخ می‌شود..

هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً، در اجرای قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب

۱۳۸۹/۳/۲۵ نظر معاونت قوانین در مورد طرح طرح جامع داوری تقدیم می شود.

معاون قوانین

نظر اداره کل تدوین قوانین

معاون محترم قوانین

احتراماً در اجرای بندهای (۲) و (۴) ماده (۴) تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ نظر این اداره کل

به شرح زیر تقدیم می شود:

۱- سابقه تقدیم: ماده ۱۳۰ ☒ قبلاً تقدیم نگردیده است ☐ قبلاً در جلسه علنی شماره مورخ تقدیم و در تاریخ در

کمیسیون ☐ صحن ☐

(موضوع اصل ۸۵ قانون اساسی) رد شده و اینک با:

با تغییر اساسی ☐ با تقاضای کتبی ۵۰ نفر از نمایندگان (مشروط به تصویب مجلس) ☐

پیش از انقضاء شش ماه ☐ بدون تغییر اساسی ☐

با انقضاء شش ماه ☐ با تقاضای کتبی کمتر از ۵۰ نفر از نمایندگان ☐

مجدداً قابل پیشنهاد به مجلس ☐ می باشد ☐ می باشد

۲- در اجرای بند (۲) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور:

رعایت شده است. ☐

رعایت شده است (با نظر کارشناسی) ☒ در طرح تقدیمی آیین نگارش قانونی و ویرایش ادبی

رعایت نشده است، دلایل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود. ☐

۳- از نظر آیین نامه داخلی مجلس (شکلی)

الف- ماده ۱۳۱-

اول- حداقل امضا لازم (۱۵ نفر) ☒ دارد ☐ ندارد

دوم- موضوع و عنوان مشخص ☒ دارد ☐ ندارد

سوم- دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد در مقدمه ☒ دارد ☐ ندارد

چهارم- موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان ☒ دارد ☐ ندارد

ب- ماده ۱۳۸-

طرح تقدیمی دارای ☒ یک موضوع ☐ است و پیشنهاد آن به ☒ مواد متعدد ☐ ماده واحده

بیش از یک موضوع ☐ عنوان ☐

مواجه با ایراد ☐ نمی باشد. ☒ می باشد.

۴- در اجرای بند (۴) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ :

اول: از نظر قانون اساسی؛

طرح تقدیمی با قانون اساسی به طور کلی مغایرت

ندارد.

دارد. اصول مغایر به ضمیمه تقدیم می شود.

دوم: از نظر سیاست های کلی نظام و سند

چشم انداز؛

طرح تقدیمی با سیاست های کلی نظام و سند چشم

انداز مغایرت

ندارد.

دارد. اصول مغایر به ضمیمه تقدیم می شود.

سوم: از نظر قانون برنامه؛

طرح تقدیمی با قانون برنامه مغایرت

ندارد.

دارد. دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود.

چهارم: از نظر آیین نامه داخلی مجلس

(ماهوی)؛

الف- ماده ۱۴۰- رعایت اصل هفتاد و پنجم قانون

اساسی

شده است.

نشده است. دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود.

ب- ماده ۱۸۱- موجب اصلاح یا تغییر برنامه مصوب

نمی شود

می شود

ندارد.

دارد.

و نیاز به ۲/۳ رای نمایندگان

تعداد برگ اظهار نظر به ضمیمه تقدیم می شود.

مدیر کل تدوین قوانین

☐ ندارد.

☐ دارد.

۵- طرح تقدیمی از حیث پیشگیری از وقوع جرم با بند (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی مغایرت

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه

ضمیمه نظر اداره کل تدوین قوانین

بیان مستندات و دلایل مغایرت:

در رابطه با طرح / لایحه تقدیمی با سند چشم انداز: مخالفت با بند (۹) سیاست‌های کلی قانونگذاری ابلاغی مقام معظم رهبری:

۱- در ماده (۱۰) که تکرار مفاد اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی است عبارت «موارد مهم» بدون ذکر تفصیل بیان شده است، در حالیکه لازم است قانونگذار در همین قانون، اقدام به تعیین موارد مهم نماید.

۲- مناسب است در ماده (۳۲) به «ابلاغ به موقع» که از جمله اصول دادرسی عادلانه است اشاره شود.

در رابطه با تعداد موضوع و ماده و مواجهه با ایراد: بسمه تعالی

۱- عنوان، در عین جامع افراد بودن، ویژگی مانع اغیار را ندارد. به فرض داوری رشته های ورزشی و داوری در موضوع طلاق متبادر ذهن خواننده می شود. پیشنهاد می شود عنوان طرح "اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی مدنی در موضوع داوری" باشد.

۲- درباره موضوع این طرح، قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹ وجود دارد که با عنایت به سیاست‌های تنقیحی مجلس شورای اسلامی مقرر در قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۲۵/۳/۱۳۸۹ مبنی بر جلوگیری از تورم قوانین، این طرح باید در قالب اصلاح و الحاق موادی ذیل باب هفتم قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹ که دارای ارتباط موضوعی با آن است، تنظیم شود. لازم به ذکر است باب هفتم در قانون آئین دادرسی مدنی با ۴۸ ماده، زیر شاخه دیگری ندارد و امکان تکمیل تبویب در ذیل آن امکان پذیر است.

۳- ماده ۱ (تعاریف اصطلاحات و واژه ها)، با توجه به بدیهی بودن همه ی واژه ها و اصطلاحات نیازی به این قسمت نیست و از موجبات تطویل متن می شود. و عبارت "موسسه داوری ناظر" را می توان در قالب یک تبصره در جای مربوط به خودش تعریف نمود.

۴- مطابق اصول نگارش متون قانونی فلسفه، ضرورت و هدف از تقدیم طرح باید در مقدمه بیان شود و درج آن در متن مناسب نیست. بنابراین پیشنهاد می شود متن مندرج در ذیل ماده ۲ به مقدمه توجیهی منتقل شود.

۵- حجم و ترتیب مطالب طرح از تناسب یکنواختی برخوردار نیست. در ۱۸ فصل با موضوعات مختلف تنظیم شده است. پیشنهاد می شود مواد به این ترتیب دسته بندی گردد: بخش، فصل، مبحث. تا پس از بازنگری همه ی دسته ها در ذیل باب هفتم قانون آئین دادرسی مدنی اصلاح و الحاق شود.

۶- عبارت «دیگر مقررات مغایر با این قانون» مندرج در ماده ۱۴۷ طرح مغایر با سیاست‌های تنقیحی مجلس شورای اسلامی است و در صورت تصویب موجب ابهام می شود.

۷- در ماده ۱۱۶ قانون برنامه ششم توسعه این طور آمده است: در راستای کاهش مراجعه مردم به مراجع قضائی و تسریع در حل و فصل اختلافات، قوه قضائیه مکلف است با همکاری دولت به منظور افزایش حل و فصل اختلافات از طریق

داوری، ایجاد و توسعه نهادهای داوری و اعتمادسازی و ایجاد اقبال عمومی و حمایت از آنها، تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه تمهیدات لازم را پیش بینی نماید. بنابراین تمهیدات لازم برای ایجاد و توسعه نهاد داوری بر عهده قوه قضائیه (با همکاری دولت) می باشد و طرح پیشنهادی از حیث تغییر تشریفات مقرر در ماده ۱۱۶ مغایر می باشد.

۸- در خصوص تشکیل سازمان داوری علی رغم وجود سابقه ی طرحی در این موضوع با عنوان "تشکیل سازمان نظام داوری جمهوری اسلامی ایران"، این موضوع دارای شأن آیین نامه ای است و بهتر است تصویب آن موکول به آیین نامه اجرائی قانون شود.

۹- در صورت تصویب به عنوان یک قانون مستقل از قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹، برخی از مواد طرح مانند موارد بطلان رأی داوری، موارد زوال رأی داوری، دعاوی غیر قابل ارجاع به داوری و شرایط صدور رأی داوری در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹ وجود دارد که ذکر مجدد آن تکراری و زائد است.

نظر اداره کل اسناد و تنقیح قوانین

معاون محترم قوانین

احتراماً در اجرای بندهای (۱) و (۳) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ نظر این اداره کل به شرح زیر تقدیم می‌شود:

۱. در اجرای بند (۱):

- | | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|---|
| الف- در خصوص طرح تقدیمی قوانین متعارض | ☐ | وجود ندارد |
| | ☒ | وجود دارد که به شرح ضمیمه تقدیم می‌شود. |
| ب- در خصوص طرح تقدیمی قوانین مرتبط | ☒ | وجود ندارد |
| | ☐ | وجود دارد که به شرح ضمیمه تقدیم می‌شود. |

۲. در اجرای بند (۳):

با عنایت به بررسی‌های به عمل آمده قانونگذاری در این موضوع

- ☐ لازم است.
- ☐ لازم نیست.

تعداد برگ سوابق قانونی و نظر اداره کل به ضمیمه تقدیم می‌شود.

مدیر کل اسناد و تنقیح قوانین

ضمیمه نظر اداره کل اسناد و تنقیح قوانین

نظر اداره کل به انضمام سوابق قانونی

الف- نظر اداره کل

۱-۱- در مقدمه توجیهی لازم است به علل اهداف و منافع ارائه و تصویب طرح اشاره شود اما مقدمه توجیهی این طرح فاقد ادله کافی برای ارائه بوده و تناسبی با حجم گسترده مواد آن ندارد.

۲- با توجه به عدم انجام کار تنقیحی دقیق در طرح پیشنهادی و عدم تنظیم طرح در قالب قوانین جامع (کد) استفاده از واژه (جامع) در عنوان صحیح بنظر نمیرسد.

۳- مطابق ماده ۱۱۶ قانون برنامه ششم توسعه تمهیدات لازم برای ایجاد و توسعه نهاد داوری بر عهده قوه قضاییه با همکاری دولت است لذا طرح جامع داوری به جهت تغییر تشریفات مقرر در ماده ۱۱۶ با این ماده در تعارض است و برای تصویب نیازمند رای دو سوم آراء نمایندگان است.

۴- مطابق اصول نگارش متون قانونی فلسفه ضرورت و هدف از تقدیم طرح باید در مقدمه بیان شود و درج آن در متن طرح مناسب نیست. بنابراین لازم است ماده ۲ طرح که به اهداف و اصول کلی پرداخته حذف و به مقدمه توجیهی منتل شود.

۵- عبارت "سرداور" مندرج در ماده ۷ طرح دارای ابهام است و نیازمند تعریف در ماده ۱ است.

۶- مناسب است پاراگراف دوم ماده ۸ در قالب یک ماده مستقل تنظیم شود.

۷- ماده ۱۰ طرح تکرار اصل ۱۳۹ قانون اساسی است .

۸- اگر چه اختصاص یک عنوان فرعی به هر یک از مواد در مقام تفسیر می تواند مفید واقع شود اما این امر در پیشینه قانونگذاری و نظام تقنینی ما فاقد سابقه و عملاً بی اثر است. توصیه میشود این قانون در قالب فصل و مبحث و عنوانهای کلیتر تنظیم شود.

۹- با توجه به متن بسیار مطول ماده ۱۶ و وجود احکام مستقل و متفاوت مناسب است این ماده در قالب چند ماده مستقل تنظیم شود.

۱۰- ماده ۲۱ طرح به لحاظ ویرایشی دارای ابهام و ایراد است. لازم است عبارت "هیچ کس از انتخاب شدن به عنوان داور به لحاظ تابعیت ممنوع نیست" به عبارت "تابعیت در انتخاب داور شرط نیست" اصلاح شود.

۱۱- عبارت "تردید موجه" در ماده ۲۲ دارای ابهام است و مغایر بند ۹ سیاستهای کلی نظام قانونگذاری است.

۱۲- عبارت "هرچند" از صدر ماده ۲۳ طرح حذف شود.

۱۳- نظر به متن بسیار مطول ماده ۲۵ و وجود احکام مستقل و متفاوت مناسب است این ماده در قالب چند ماده مستقل تنظیم شود.

۱۴- صدر ماده ۲۶ طرح دارای ایراد ویرایشی است و لازم است به شرح زیر تنظیم شود: "هرگاه مأموریت داور به جهت جرح فوت حجر یا به علت کناره گیری یا با توافق طرفین یا به موجب قانون خاتمه پذیرد یا داور عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد....."

۱۵- مناسب است پاراگراف دوم ماده ۲۹ در قالب یک ماده مستقل تنظیم شود.

۱۶- در ماده ۳۰ طرح عبارت "این قانون" بعد از عبارت "مواد ۲۲ ۲۳ و ۹۸" اضافه شود.

۱۷- در ماده ۴۹ طرح عبارت "این قانون" بعد از عبارت "ماده ۵۰" اضافه شود.

۱۸- با عنایت به مهلت ۲۰ روزه موضوع ماده ۸۳ طرح برای تجدیدنظرخواهی و قطعیت طرح پس از انقضای این مدت و با توجه به ماده ۷۷ طرح لازم است مهلتهای ۳۰ روزه موضوع مواد ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ طرح به بیست روز اصلاح شود.

۱۹- لازم است تا در صدر ماده ۷۵ طرح عبارت (تاریخ ابلاغ رأی) جایگزین (تاریخ دریافت رأی) شود.

۲۰- ماده ۷۸ طرح به جهت درج و اصلاح شماره های ترتیبی در بندهای موضوع ماده نیازمند اصلاح است.

۲۱- پیشنهاد میشود حکم اخیر ماده ۷۸ در قالب تبصره تنظیم شود.

۲۲- لازم است تا به بندهای ماده ۸۴ طرح شماره ترتیبی اختصاص داده شود.

۲۳- پیشنهاد میشود در ماده ۸۶ طرح عبارت (دسترسی به) جایگزین (وصول) شود.

۲۴- پیشنهاد میشود در ماده ۸۸ طرح (محسوب می شود) جایگزین (است) و در صدر ماده ۸۹ طرح (صادر) جایگزین (صادره) شود.

۲۵- عبارت (با در نظر گرفتن اوضاع و احوال) در ماده ۹۹ طرح مبهم و مغایر ردیف ۳ بند ۹ سیاستهای کلی نظام قانونگذاری است.

۲۶- جمله اول ماده ۱۰۰ طرح و ماده ۱۰۷ نیازمند اصلاح و ویرایشی است.

۲۷- عبارت (داور بر اساس قواعد حل تعارضی که مناسب تشخیص دهد) در ماده ۱۰۶ طرح مبهم و مغایر ردیف ۳ بند ۹ سیاستهای کلی نظام قانونگذاری است.

۲۸- لازم است تا به بندهای ماده ۱۱۰ طرح شماره ترتیبی اختصاص داده شود.

۲۹- حکم اخیر ماده ۱۱۲ طرح مبنی بر اینکه (پرداخت هزینههای داوری بر عهده طرف ناموفق است. با این حال داور میتواند چنین هزینههایی را بین طرفین تسهیم کند مشروط بر اینکه با در نظر گرفتن اوضاع و احوال تسهیم را معقول تشخیص دهد). مبهم و مغایر ردیف ۳ بند ۹ سیاستهای کلی نظام قانونگذاری است.

۳۰- مصادیق عذر موجه مندرج در مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ طرح احصاء و تعیین شوند.

۳۱- بند ۱ ماده ۱۱۷ به نهادهای موضوع بندهای ۲ تا ۵ ماده ۱۱۶ ارجاع داده درحالیکه نهادهای موضوع ماده ۱۱۶ فاقد شماره اند بنابراین لازم است این نهادها شماره گذاری شوند.

۳۲- در بند ۱ ماده ۱۱۷ جهت رعایت اصول نگارش قانون عبارت (ماده ۱۱۶) جایگزین عبارت (ماده قبل) شود.

۳۳- مواد ۱۱۸ و ۱۱۹ که سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان توسعه داوری را از وظایف مرکز حل اختلاف و شورای ملی داوری مستقر در آن دانسته به نظر می رسد مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است که تفویض اختیار قانونگذاری از سوی نمایندگان به غیر را ممنوع دانسته و آن را بر عهده مجلس نهاده است.

۳۴- ماده ۱۲۰ در خصوص کمک به رفع مشکلات مالی و رفاهی داوران و کارکنان نهادهای اداری و انجام اقدامات مقتضی به منظور گسترش خدمات بیمه ای درمانی دارای بار مالی و مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است.

۳۵- در تبصره ۱ ماده ۱۲۳ در خصوص انتخاب رییس هیات مدیره و مدیر عامل مشخص شود منظور اکثریت نسبی یا مطلق است.

۳۶- در مواد ۱۲۶ و ۱۲۸ در صورتی که مرکز حل اختلاف را جزئی از قوه قضاییه دانسته لازم است در ماده ۱۱۸ که به بیان وظایف و اختیارات مرکز پرداخته به این موضوع اشاره شود.

۳۷- برخی از مصادیق تخلفات مندرج در بندهای ب و پ ماده ۱۴۳ از جمله : معدوم کردن یا خارج کردن لوایح و مستندات طرفین از پرونده دریافت وجه یا مال یا هدیه تحت هر عنوان از طرفین پرونده یا به مناسبت آندریافت وجه یا مال به عنوان حق الزحمه داوری بیش از حق الزحمه قانونی و یا خارج از فرایند رسمی آنافشای غیر قانونی اسرار و اطلاعات محرمانه طرفین جرم هستند بنابراین لازم است در ماده ۱۴۴ که به تبیین مجازاتهای انتظامی پرداخته قبل از عبارت (حسب مورد یکی از مجازاتهای انتظامی زیر را برای داور یا داوران متخلف تعیین می نمایند.) عبارت (علاوه بر سایر مجازات های مقرر قانونی) اضافه شود.

۳۸- متن ماده ۱۴۵ طولانی بوده و بسیاری از عبارت آن با یکدیگر همپوشانی داشته و ضروری نیست.

۳۹- در ماده ۱۴۶ پیشنهاد می شود عبارت (در مواردی که قانون مربوط مقرراتی پیش بینی نکرده است) جایگزین عبارت (در مواردی که قانون مربوط ساکت است) شود.

۴۰- ماده ۱۴۷ طرح از این جهت که به طور کلی نسبت به نسخ تمامی مقررات مغایر حکم مینماید با سیاست های تنقیحی مجلس شورای اسلامی مقرر در قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۲۵/۳/۱۳۸۹ مغایرت دارد. قوانین و مقررات مدنظر برای نسخ باید بطور دقیق احصاء و ذکر شوند.

۲- ۱- در مقدمه توجیهی لازم است به علل، اهداف و منافع ارائه و تصویب طرح اشاره شود اما مقدمه توجیهی این طرح فاقد ادله کافی برای ارائه بوده و تناسبی با حجم گسترده مواد آن ندارد. ۲- با توجه به عدم انجام کار تنقیحی دقیق در طرح پیشنهادی و عدم تنظیم طرح در قالب قوانین جامع (کد)، استفاده از واژه (جامع) در عنوان صحیح بنظر نمی رسد. ۳- مطابق ماده ۱۱۶ قانون برنامه ششم توسعه، تمهیدات لازم برای ایجاد و توسعه نهاد داوری بر عهده قوه قضاییه با همکاری دولت است لذا طرح جامع داوری به جهت تغییر تشریفات مقرر در ماده ۱۱۶ با این ماده در تعارض است و برای تصویب نیازمند رای دو سوم آراء نمایندگان است. ۴- مطابق اصول نگارش متون قانونی، فلسفه، ضرورت و هدف از تقدیم طرح باید در مقدمه بیان شود و درج آن در متن طرح مناسب نیست. بنابراین لازم است ماده ۲ طرح که به اهداف و اصول کلی پرداخته حذف و به مقدمه توجیهی منتل شود. ۵- عبارت

"سرداور" مندرج در ماده ۷ طرح دارای ابهام است و نیازمند تعریف در ماده ۱ است. ۶- مناسب است پاراگراف دوم ماده ۸ در قالب یک ماده مستقل تنظیم شود. ۷- ماده ۱۰ طرح تکرار اصل ۱۳۹ قانون اساسی است. ۸- اگر چه اختصاص یک عنوان فرعی به هر یک از مواد در مقام تفسیر می تواند مفید واقع شود اما این امر در پیشینه قانونگذاری و نظام تقنینی ما فاقد سابقه و عملاً بی اثر است. توصیه می شود این قانون در قالب فصل و مبحث و عنوان های کلی تر تنظیم شود. ۹- با توجه به متن بسیار مطول ماده ۱۶ و وجود احکام مستقل و متفاوت، مناسب است این ماده در قالب چند ماده مستقل تنظیم شود. ۱۰- ماده ۲۱ طرح به لحاظ ویرایشی دارای ابهام و ایراد است. لازم است عبارت "هیچ کس از انتخاب شدن به عنوان داور به لحاظ تابعیت ممنوع نیست" به عبارت "تابعیت در انتخاب داور شرط نیست" اصلاح شود. ۱۱- عبارت "تردید موجه" در ماده ۲۲ دارای ابهام است و مغایر بند ۹ سیاست های کلی نظام قانونگذاری است. ۱۲- عبارت "هر چند" از صدر ماده ۲۳ طرح حذف شود. ۱۳- نظر به متن بسیار مطول ماده ۲۵ و وجود احکام مستقل و متفاوت، مناسب است این ماده در قالب چند ماده مستقل تنظیم شود. ۱۴- صدر ماده ۲۶ طرح دارای ایراد ویرایشی است و لازم است به شرح زیر تنظیم شود: "هرگاه ماموریت داور به جهت جرح، فوت، حجر یا به علت کناره گیری یا با توافق طرفین یا به موجب قانون خاتمه پذیرد یا داور عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد". ۱۵- مناسب است پاراگراف دوم ماده ۲۹ در قالب یک ماده مستقل تنظیم شود. ۱۶- در ماده ۳۰ طرح عبارت "این قانون" بعد از عبارت "مواد ۲۲، ۲۳ و ۹۸" اضافه شود. ۱۷- در ماده ۴۹ طرح عبارت "این قانون" بعد از عبارت "ماده ۵۰" اضافه شود. ۱۸- باعنایت به مهلت ۲۰ روزه موضوع ماده ۸۳ طرح برای تجدیدنظرخواهی و قطعیت طرح پس از انقضای این مدت، و با توجه به ماده ۷۷ طرح، لازم است مهلت های ۳۰ روزه موضوع مواد ۷۴، ۷۵ و ۷۶ طرح به بیست روز اصلاح شود. ۱۹- لازم است تا در صدر ماده ۷۵ طرح، عبارت (تاریخ ابلاغ رأی) جایگزین (تاریخ دریافت رأی) شود. ۲۰- ماده ۷۸ طرح به جهت درج و اصلاح شماره های ترتیبی در بندهای موضوع ماده، نیازمند اصلاح است. ۲۱- پیشنهاد می شود حکم اخیر ماده ۷۸، در قالب تبصره تنظیم شود. ۲۲- لازم است تا به بندهای ماده ۸۴ طرح، شماره ترتیبی اختصاص داده شود. ۲۳- پیشنهاد می شود در ماده ۸۶ طرح، عبارت (دسترسی به) جایگزین (وصول) شود. ۲۴- پیشنهاد می شود در ماده ۸۸ طرح، (محسوب می شود) جایگزین (است) و در صدر ماده ۸۹ طرح (صادر) جایگزین (صادره) شود. ۲۵- عبارت (با در نظر گرفتن اوضاع و احوال) در ماده ۹۹ طرح، مبهم و مغایر ردیف ۳ بند ۹ سیاست های کلی نظام قانونگذاری است. ۲۶- جمله اول ماده ۱۰۰ طرح و ماده ۱۰۷، نیازمند اصلاح ویرایشی است. ۲۷- عبارت (داور بر اساس قواعد حل تعارضی که مناسب تشخیص دهد) در ماده ۱۰۶ طرح، مبهم و مغایر ردیف ۳ بند ۹ سیاست های کلی نظام قانونگذاری است. ۲۸- لازم است تا به بندهای ماده ۱۱۰ طرح، شماره ترتیبی اختصاص داده شود. ۲۹- حکم اخیر ماده ۱۱۲ طرح مبنی بر اینکه (پرداخت هزینه های داوری بر عهده طرف ناموفق است. با این حال داور می تواند چنین هزینه هایی را بین طرفین تسهیم کند مشروط بر اینکه با در نظر گرفتن اوضاع و احوال تسهیم را معقول تشخیص دهد). مبهم و مغایر ردیف ۳ بند ۹ سیاست های کلی نظام قانونگذاری است. ۳۰- مصادیق عذر موجه مندرج در مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ طرح احصاء و تعیین شوند. ۳۱- بند ۱ ماده ۱۱۷ به نهادهای موضوع بندهای ۲ تا ۵ ماده ۱۱۶ ارجاع داده درحالی که نهادهای موضوع ماده ۱۱۶ فاقد شماره اند بنابراین لازم است این نهادها شماره گذاری شوند. ۳۲- در بند ۱ ماده ۱۱۷، جهت رعایت اصول نگارش قانون عبارت (ماده ۱۱۶) جایگزین عبارت (ماده قبل) شود. ۳۳- مواد ۱۱۸ و ۱۱۹ که سیاست گذاری و برنامه ریزی کلان توسعه داوری را از وظایف مرکز حل اختلاف و شورای ملی داوری مستقر در آن دانسته به نظر می رسد مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است که تفویض اختیار قانونگذاری از سوی نمایندگان به غیر را ممنوع دانسته و آن را بر عهده مجلس نهاده است. ۳۴- ماده ۱۲۰ در خصوص کمک به رفع مشکلات مالی و رفاهی داوران و کارکنان نهادهای اداری و انجام اقدامات مقتضی به منظور گسترش خدمات بیمه ای درمانی دارای بار مالی و مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است. ۳۵- در تبصره ۱ ماده ۱۲۳ در خصوص انتخاب رییس هیات مدیره و مدیر عامل مشخص شود منظور اکثریت نسبی یا مطلق است. ۳۶- در مواد ۱۲۶ و ۱۲۸ در صورتی که مرکز حل اختلاف را جزئی از قوه قضائیه دانسته لازم است در ماده ۱۱۸ که به بیان وظایف و اختیارات مرکز پرداخته به این موضوع اشاره شود. ۳۷- برخی از مصادیق تخلفات

مندرج در بندهای ب و پ ماده ۱۴۳ از جمله : معدوم کردن یا خارج کردن لوايح و مستندات طرفین از پرونده؛ دریافت وجه یا مال یا هدیه تحت هر عنوان از طرفین پرونده یا به مناسبت آن؛ دریافت وجه یا مال به عنوان حق الزحمه داوری بیش از حق الزحمه قانونی و یا خارج از فرایند رسمی آن؛ افشای غیر قانونی اسرار و اطلاعات محرمانه طرفین؛ جرم هستند بنابراین لازم است در ماده ۱۴۴ که به تبیین مجازاتهای انتظامی پرداخته قبل از عبارت (حسب مورد یکی از مجازاتهای انتظامی زیر را برای داور یا داوران متخلف تعیین می نمایند.) عبارت (علاوه بر سایر مجازات های مقرر قانونی) اضافه شود. ۳۸- متن ماده ۱۴۵ طولانی بوده و بسیاری از عبارت آن با یکدیگر همپوشانی داشته و ضروری نیست. ۳۹- در ماده ۱۴۶ پیشنهاد می شود عبارت (در مواردی که قانون مربوط مقرراتی پیش بینی نکرده است) جایگزین عبارت (در مواردی که قانون مربوط ساکت است) شود. ۴۰- ماده ۱۴۷ طرح از این جهت که به طور کلی نسبت به نسخ تمامی مقررات مغایر حکم می نماید با سیاست های تنقیحی مجلس شورای اسلامی مقرر در قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۲۵/۳/۱۳۸۹ مغایرت دارد. قوانین و مقررات مدنظر برای نسخ باید بطور دقیق احصاء و ذکر شوند.

ب- سوابق قانونی

قوانین متعارض به شرح زیر تقدیم می گردد :

عنوان قانون: قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۲/ ۱۰/ ۱۳۸۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی -- منقح ۱۳۹۷/۷/۳۰ مصوب: ۱۳۸۹/۱۰/۱۲

بخش های قانون: ماده ۲۰

سوابق به شرح زیر تقدیم می گردد :

عنوان قانون: لایحه قانونی اصلاح بعضی از مواد قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب: ۱۳۵۸/۰۶/۲۶

بخش های قانون: تمام متن

عنوان قانون: قانون پاره ای از قوانین دادگستری مصوب: ۱۳۵۶/۰۳/۲۵

بخش های قانون: فصل سوم- ماده ۱۰**فصل هفتم- ماده ۲۸**فصل هفتم- ماده ۲۸- تبصره**فصل هفتم- ماده ۲۹**فصل هفتم- ماده ۲۹- بند ۱**فصل هفتم- ماده ۲۹- بند ۲**فصل هفتم- ماده ۲۹- بند ۳

عنوان قانون: قانون داوری تجاری بین المللی مصوب: ۱۳۷۶/۰۶/۲۶

عنوان قانون: قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی -- منقح ۱۳۹۷/۲/۱۹ مصوب: ۱۳۷۹/۰۹/۲۱

[illegible]

۴۱۹*** کتاب اول-باب پنجم-فصل دوم-ماده ۴۱۹-الف*** کتاب اول-باب پنجم-فصل دوم-ماده ۴۱۹-ب*** کتاب اول-باب پنجم-فصل دوم-ماده ۴۲۰*** کتاب اول-باب پنجم-فصل دوم-ماده ۴۲۱*** کتاب اول-باب پنجم-فصل دوم-ماده ۴۲۲*** کتاب اول-باب پنجم-فصل دوم-ماده ۴۲۳*** کتاب اول-باب پنجم-فصل دوم-ماده ۴۲۴*** کتاب اول-باب پنجم-فصل دوم-ماده ۴۲۵*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۵۴*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۵۵*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۵۵-تبصره*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۵۶*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۵۷*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۵۸*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۵۸-تبصره*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۵۹*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۰*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۱*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۲*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۳*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۴*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۵*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۶*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۶-ردیف۲*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۷*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۸*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۹*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۹-ردیف۱*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۹-ردیف۲*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۹-ردیف۳*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۹-ردیف۴*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۹-ردیف۵*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۹-ردیف۶*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۹-ردیف۷*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۶۹-ردیف۸*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۷۰*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۷۱*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۷۲*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۷۳*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۷۴*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۷۴-تبصره*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۷۵*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۷۶*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۷۷*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۷۸*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۷۹*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۰*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۱*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۱-ردیف۱*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۱-ردیف۲*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۲*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۳*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۴*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۴-تبصره*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۵*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۶*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۷*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۸*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۹*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۹-ردیف۱*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۹-ردیف۲*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۹-ردیف۳*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۹-ردیف۴*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۹-ردیف۵*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۹-ردیف۶*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۸۹-ردیف۷*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۹۰-تبصره*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۹۱*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۹۱-تبصره*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۹۲*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۹۳*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۹۴*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۹۶-ردیف۱*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۹۶-ردیف۲*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۹۷*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۹۸*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۴۹۹*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۵۰۰*** کتاب اول-باب هفتم-ماده ۵۰۱

عنوان قانون: قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی == منقح ۱۴۰۰/۰۶/۲۱ مصوب: ۱۳۸۲/۱۲/۲۴

بخش های قانون: تمام متن

عنوان قانون: قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ - ۱۳۹۶) مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۲۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی == منقح ۱۴۰۰/۰۴/۱۵ مصوب: ۱۳۹۵/۱۲/۲۱

۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب سوم-بخش اول-فصل اول-ماده ۲۹۱-پ**قانون مجازات اسلامی مصوب
 ۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب سوم-بخش اول-فصل اول-ماده ۲۹۲-قانون مجازات اسلامی مصوب
 ۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب سوم-بخش اول-فصل اول-ماده ۲۹۲-الف**قانون مجازات اسلامی مصوب
 ۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب سوم-بخش اول-فصل اول-ماده ۲۹۲-ب**قانون مجازات اسلامی مصوب
 ۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب سوم-بخش اول-فصل اول-ماده ۲۹۲-پ**قانون مجازات اسلامی مصوب
 ۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب سوم-بخش اول-فصل اول-ماده ۲۹۲-تبصره**قانون مجازات اسلامی مصوب
 ۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب سوم-بخش اول-فصل اول-ماده ۲۹۳-قانون مجازات اسلامی مصوب
 ۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب سوم-بخش اول-فصل اول-ماده ۲۹۴-قانون مجازات اسلامی مصوب
 ۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب سوم-بخش اول-فصل اول-ماده ۲۹۵-قانون مجازات اسلامی مصوب
 ۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب چهارم-بخش اول-فصل اول-ماده ۴۴۸-قانون مجازات اسلامی مصوب
 ۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب چهارم-بخش اول-فصل اول-ماده ۴۴۹-قانون مجازات اسلامی مصوب
 ۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب چهارم-بخش اول-فصل اول-ماده ۴۵۰-قانون مجازات اسلامی مصوب
 ۱۳۹۲/۰۲/۰۱==منقح ۱۳۹۹/۱۰/۱۶-کتاب چهارم-بخش اول-فصل اول-ماده ۴۵۱

عنوان قانون: قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران مصوب: ۱۳۸۰/۱۱/۱۴

بخش های قانون: تمام متن

عنوان قانون: قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی -- منقح ۱۳۹۷/۲/۲ مصوب: ۱۳۱۸/۰۴/۲۴

بخش های قانون: تمام متن

عنوان قانون: قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/ ۰۸/ ۰۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی -- منقح ۱۳۹۷/۲/۱۸ مصوب: ۱۳۱۴/۰۸/۰۸

بخش های قانون: جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۵۵**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۵۶**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۵۷**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۵۸**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۵۹**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۶۰**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۶۱**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۶۲**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۶۳**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۶۴**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۶۵**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۶۶**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۶۷**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۶۸**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۶۹**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۷۰**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۷۱**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۷۲**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۷۳**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۷۴**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۷۵**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۷۶**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۷۷**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۷۸**جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۷۹**جلد

اول- کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۸۱***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۸۱***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۸۲***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۸۳***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۸۴***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۸۵***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۸۶***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۸۷***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۸۸***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۸۹***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۹۰***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۹۱***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۹۱-ردیف ۹۱***جلد اول-کتاب اول-باب دوم-فصل دوم-مبحث دوم-ماده ۹۱-ردیف ۲***جلد دوم-کتاب هفتم-باب اول-فصل دوم-ماده ۱۰۴۱***جلد دوم-کتاب هفتم-باب اول-فصل دوم-ماده ۱۰۴۲***جلد دوم-کتاب هفتم-باب اول-فصل دوم-ماده ۱۰۴۳***جلد دوم-کتاب هفتم-باب اول-فصل دوم-ماده ۱۰۴۴***جلد دوم-کتاب هفتم-باب اول-فصل دوم-ماده ۱۰۴۴-تبصره***جلد دوم-کتاب هفتم-باب دوم-فصل دوم-مبحث اول-ماده ۱۱۳۳***جلد دوم-کتاب هفتم-باب دوم-فصل دوم-مبحث اول-ماده ۱۱۳۳-تبصره***جلد دوم-کتاب هفتم-باب دوم-فصل دوم-مبحث اول-ماده ۱۱۳۴***جلد دوم-کتاب هفتم-باب دوم-فصل دوم-مبحث اول-ماده ۱۱۳۵***جلد دوم-کتاب هفتم-باب دوم-فصل دوم-مبحث اول-ماده ۱۱۳۶***جلد دوم-کتاب هفتم-باب دوم-فصل دوم-مبحث اول-ماده ۱۱۳۷***جلد دوم-کتاب هفتم-باب دوم-فصل دوم-مبحث اول-ماده ۱۱۳۸***جلد دوم-کتاب هفتم-باب دوم-فصل دوم-مبحث اول-ماده ۱۱۳۹***جلد دوم-کتاب هفتم-باب دوم-فصل دوم-مبحث اول-ماده ۱۱۳۰***جلد دوم-کتاب هفتم-باب دوم-فصل دوم-مبحث اول-ماده ۱۱۴۱***جلد دوم-کتاب هفتم-باب دوم-فصل دوم-مبحث اول-ماده ۱۱۴۲

عنوان قانون: قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۰۸/۰۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی == منقح ۱۳۹۸/۲/۱۰ مصوب: ۱۳۵۶/۰۸/۰۱

بخش های قانون: فصل اول-مبحث سوم-ماده ۲۸

عنوان قانون: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۰۹/۱۲ همه پرسی -- منقح ۱۳۹۶/۱۰/۱۳ مصوب: ۱۳۵۸/۰۹/۱۲

بخش های قانون: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۰۹/۱۲ با اصلاحات و الحاقات بعد-فصل نهم قوه مجریه-مبحث اول - ریاست جمهوری و وزراء (الحاقی ۱۳۶۸/۰۵/۰۶)-اصل یکصد و سی و نهم